

امث ۲۳:۲۰-۲۱: :
ثت ۲۰:۲۱
۳۳ با راه انداختن ضیافت از پولی که قرض گرفته ای^o خود را نیازمند مگردان،
وقتی چیزی در کیسه نداری^p.

۱۹
۱ هر که این کار را کند^q ثروتمند نگردد،
هر کس چیزهای کوچک را حقیر دارد، اندک اندک فرو غلطد.
۲ شراب و زن مایه گمراهی مرد هوشمند است ،
و بی شرم آن که دل به روسپی می بندد^r.
۳ نصیب آن ها تخم حشره و کرم باشد ،
و روح بی شرم ریشه کن گردد.

هو ۱۱:۴
امث ۳۱:۵-۳

امث ۵:۵
۲۶:۷-۲۷:
۱۸:۹

خطرات پرحرفی

۴ هر که زود اعتماد کند سبک مغز^s است ،
و هر کس گناه می کند خود را فریب می دهد.
۵ هر کس از شر لذت می برد، محکوم خواهد شد^t.
۶ و هر کس از پرحرفی متنفر باشد از شر در امان ماند^u.
۷ هرگز سخنی را تکرار مکن،
و چیزی از دست نخواهی داد.
۸ آن را به دوست یا دشمن به هیچ کس مگو،
تا شریک جرم نشده ای، هیچ آشکار مگردان.
۹ تو را خواهند شنید اما از تو برحذر خواهند بود
و به هنگامش تو را منفور خواهند داشت.
۱۰ اگر حرفی شنیدی، با تو بمیرد^v،
آسوده باش درهم نخواهی شکست!
۱۱ به خاطر یک حرف، ابله درد می کشد
مانند زنی برای زائیدن فرزندش.
۱۲ تیری در چربی ران
مانند حرفی در شکم ابله است.

امث ۲۵:۹-۱۰

- o عبری: نه پرخور و نه مست باش.
- p برخی نسخ یونانی می افزایند: این خود گستردن دامی برای خود خواهد بود.
- q متن یونانی از خواندن نادرست متن عبری ناشی شده است: آن کس که این کار را انجام می دهد.
- r عبری: شراب و زن آدمی را گستاخ و بی شرم می گردانند/ و اشتهای بیش از حد صاحبش را به نابودی می کشاند.
- s تحت اللفظی: سبک دل.
- t برخی نسخ یونانی می افزایند: آن کس که در برابر لذات پایداری می کند تاج افتخار بر سر می نهد/ آن کس که زبانش در اختیارش است در آرامش زندگانی خواهد کرد.
- u ترجمه دیگری که به احتمال زیاد متکی بر نسخه سریانی است و بخشی از آن بر برخی از نسخ معتبر یونانی: آن کس که سخنان را تکرار می کند معنایش را از دست داده است. در عبری، افعال «نفرت داشتن» و «تکرار کردن» خیلی به هم شبیه اند.
- v تحت اللفظی: باشد که این با تو بمیرد.

اصلاح دوستان

- ۱۳ از دوست خود توضیح بخواه^w، شاید هیچ کاری نکرده باشد،
و اگر کاری کرده، دیگر نخواهد کرد.
- ۱۴ از همسایه خود توضیح بخواه، شاید چیزی نگفته باشد،
و اگر چیزی گفته، از سر نگیرد.
- ۱۵ از دوست خود توضیح بخواه، اغلب تهمت می زنند،
و به هرچه می گویند اعتماد مکن.
- ۱۶ لغزش هایی این چنین، اما نه از روی عمد،
چه کسی هرگز به زبان گناه نکرده است؟
- ۱۷ از همسایه ات پیش از آن که تهدیدش کنی توضیح بخواه،
و جایی برای تورات باری تعالی بگذار^x.

حکمت راستین و دروغین

- ۲۰ تمام حکمت ترس خداوند است،
و در هر حکمتی عمل به تورات^y.
- ۲۲ دانش شر، حکمت نیست،
و احتیاط در اندرز گناهکاران جای ندارد.
- ۲۳ مهارتی هست که کراهت آور باشد،
بی معنی که عاری از حکمت است.
- ۲۴ مردی با هوشمندی اندک اما با ترس بیشتر بهتر است از آن کس
که بی احتیاطی می کند و از تورات سر باز می زند.
- ۲۵ مهارتی کامل وجود دارد که با این حال ناعادلانه است،
و چنین کسی برای به کرسی نشاندن حق خود تزویر به کار می برد^z.
- ۲۶ آن کس زیر بار غم خم می شود
که درونش مملو از ریاکاری باشد.
- ۲۷ چهره اش را مخفی کرده گوش هایش را می بندد
و بدون جلب توجه بر تو پیشی می گیرد.

w- فعل این جمله به زبان یونانی به معنای سرزنش کردن، بررسی کردن و پرسیدن هم آمده است.

x- تورات حکم می دهد که با دشمن خود باید از در آشتی درآمد (لاو ۱۹:۱۷). برخی نسخ یونانی می افزایند: ۱۸ ترس از خدا پایه مقبولیت است/ اما حکمت باعث ایجاد محبت می شود./ ۱۹ شناخت احکام خدا، خودآموزه حیات است،/ آنان که کار پسندیده خدا انجام می دهند از درخت جاودانی میوه می چینند.

y- برخی نسخ یونانی می افزایند: و شناخت قادر متعال. اندیشه ای بنیادی مبنی بر یکی از مضامین ادبیات حکمتی (امت ۱:۷؛ ۹:۱۰؛ ۱۵:۳۳؛ ایوب ۲۸:۲۸؛ مز ۱۱۱:۱۰). همین نسخ یونانی می افزایند: ۲۱ خادمی که به ارباب خود بگوید:

آنچه تو را خوشایند است انجام نخواهم داد/ حتی اگر لازم باشد، موجب خشم ولی نعمت خود خواهد شد.

z- برخی نسخ یونانی می افزایند: و با توجیه داوری، این چنین خود را حکیم می نمایانند.

- ۲۸ اگر فقدان نیرو مانع از گناه کردن او شود،
به محض پیدا کردن موقعیت، بدی را به انجام خواهد رساند.
۲۹ آدمی از چهره اش شناخته می شود
و در طرز برخورد، انسان اندیشمند باز شناخته شود.
۳۰ جامه فرد و خنده اش
۲- مک ۱۵:۱۲
و رفتارهای انسان، بیان می کنند که او کیست.

در هنر توبیخ کردن

- ۲۰ ۱ سرزنش هست که نابهنگام است،
و کسی هست که سکوت می کند تا خود را عاقل نشان دهد.^a
۲ سرزنش کردن بهتر از نگهداری خشم است.
۳ هر کس به اشتباهات خود اعتراف کند از خواری برکنار ماند^b.
۴ خواهی ای که در اشتیاق ازاله بکارت دختری جوان است،
مانند کسی است که می خواهد حق را با خشونت برقرار سازد.^c
۶:۲۲
۲۰:۳۰

سکوت یا سخن گفتن آگاهانه

- ۵ کسی هست که سکوت می کند تا خود را حکیم نشان دهد
و کسی که با یاوه گویی هایش خود را منفور می سازد.
۶ کسی هست که سکوت می کند زیرا چیزی برای پاسخ ندارد
و کسی هم هست که سکوت می کند زیرا از لحظه مناسب آگاه است.^d
۷ مرد حکیم تا لحظه مناسب سکوت می کند،
اما پُرمدها و نابخرد آن را از دست می دهد.
۸ هر که زیاد حرف بزند خود را منفور می سازد
و هر که خود را تحمیل کند^e باعث بیزاری است.^f
امث ۱۷:۲۸
۲۰:۳۷
امث ۱۵:۲۳:
جا ۷:۳

- a- از سرگیری مضمون اخطار و تذکر برادرانه (ر.ک. ۱۹:۱۳-۱۷) که اغلب لازم و مفید است و همواره باید با اطلاع و یقین کامل انجام شود.
b- در متن سریانی: هر که خطاکاری را سرزنش می کند نفعی نمی برد. این جمله با آیه ۱ تناسب بیشتری دارد.
c- کوشش بیهوده برای ایجاد فضیلت (به معنای وسیع تر عدالت) یا رفتاری صحیح از طریق خشونت. ترجمه دیگر: آن کس که عدالت را به جبر و قهر اجرا می کند.
d- یعنی به وقت لزوم باید سکوت کرد. نویسنده می گوید که سکوت را به خودی خود نمی توان حکمت دانست.
e- یا: کسی که در صدد آن است که خود را تحمیل کند (ر.ک. ۹:۳۲). متن یونانی و سریانی شاید مبتنی بر ترجمه نادرستی از واژه عبری mashal باشند که بیشتر به معنای سلطه آمده تا سخن گفتن به امثال. متن اصلی می خواهد بگوید آن کس که به اختصار و ایجاز حرف نمی زند درست مانند کسی است که پرحرفی می کند و هر دو ناخوشایند هستند.
f- نسخ یونانی می افزایند: دیدن توبه کسی که به ملامت وادار شده چه نیکوست، زیرا بدین طریق از خطائی عمدی برکنار می مانی. این متن در نسخه ولگات در آیه ۴ آمده است.

تناقض‌ها

- ۹ مردی هست که در بدبختی امتیازی می‌یابد ،
 اما نعمت غیر مترقبه ای هم هست که کار را به خواری می‌کشاند^g.
 ۱۰ موهبتی هست که تو را از آن سودی نیست،
 اما موهبتی هست که تو را دو چندان دهد.
 ۱۱ از افتخار گاهی ذلت سر می‌زند
 و همچنین است پس از فروتنی، سربلندی^h.
 ۱۲ کسی هست که بسیار چیزها را به بهای نازل می‌خرد،
 کسی هم هست که هفت برابرⁱ ارزش آن را می‌پردازد.
 ۱۳ حکیم با سخنانش^j خود را مورد لطف قرار می‌دهد
 اما مهربانی‌های ابلهان پاک هدر رفته است.
 ۱۴ از موهبت نابخرد تو را سودی نباشد^k
 زیرا چشمانش به جای یکی ، بیشمار می‌خواهند^l.
 ۱۵ اندک می‌دهد و بسیار توهین می‌کند^m
 و دهانش را چون عربده جو می‌گشاید،
 امروز وام می‌دهد و فردا باز می‌طلبد،
 چنین مردی نفرت انگیز است!
 ۱۶ ابله می‌گوید: « من دوستی ندارم،
 و هیچ کس قدر نیکویی‌های مرا نمی‌داند،
 آنان که نان مراⁿ می‌خورند زبان فراموش کار دارند. »
 ۱۷ آیا بارها و بارها چنین فردی اسباب تمسخر نیست^o؟

۱۸:۱۸
 مع ۱:۵

g- گاهی در مواردی بدبختی خوب و بجا است و بخت و اقبال (ر.ک. ۶:۲۹) در برخی موارد شوم.

h- با لو: ۱:۵۲ متناقض است.

i- هفت رقم نمادین است که معنایش در انجام عمل نیکو بسیار زیاد و بی نهایت پرداخت شده و ادای دین به عمل آمده است. می‌توان به نحو دیگری نیز معنا کرد: کسی با پول کم چیز زیادی می‌خرد، دیگری بر عکس هفت بار بیش از آنچه بیارزد می‌پردازد.

j- این متن از روی نسخه عبری تصحیح شده است. این آیه در متن سریانی وجود ندارد.

k- برخی نسخ یونانی می‌افزایند: همچنین است مرد بخیل که بر خلاف میل خود می‌پردازد.

l- تحت اللفظی: زیرا چشمانش به جای یک، بی‌شمارند. عطیه‌ای که نابخرد می‌دهد در دیدگانش ارزش بیشتری دارد تا در چشم کسی که از آن بهره می‌گیرد و در انتظار باز پرداخت آن است و نه با یک چشم بلکه با هفت چشم (در لاتین و سریانی) حریصانه در انتظار پاداش است.

m- با یادآوری دائم و پرسر و صدا از نیکی‌های خود، کسانی را که رهین منت وی هستند، سرافکننده تر می‌کند، ر.ک. تلمود اورشلیم: Berakoth IV,2 (7d).

n- زیگلر از روی متن لاتین به نان «وی» تصحیح کرده است. در متن یونانی و دیگر متون «مرا»، «مال من» (ضمیر اول شخص ملکی) آمده است.

o- پایان آیه ۱۶ و این آیه شاید اثر اندیشه نسخه بردار درباره آیه ۱۶ باشد. برخی نسخ یونانی می‌افزایند: زیرا آنچه دارد با صداقت به دست نیاورده و در ظاهر امر نداشتن برایش علی السویه است.

در مورد استفاده عاقلانه از زبان

- ^{۱۸} بر سنگفرش لغزیدن بهتر از لغزیدن به زبان است^P:
سقوط بدکاران این چنین زود فرامی رسد.
- ^{۱۹} انسان عاری از فیض، داستان نابهنگام می سراید^Q
که از دهان نادانان نمی افتد.
- ^{۲۰} امثال را از دهان ابله نمی پذیرند،
زیرا هرگز آن را به موقع بر زبان نمی آورد.
- ^{۲۱} کسی هست که در نیازمندی از گناه مصون است
و به هنگام آسایش خویش، پشیمانی ندارد^R.
- ^{۲۲} کسی هست که از شرم تباه می شود
و از ترس نابخرد، خود را گم می کند.
- ^{۲۳} کسی هست که از سر کمروئی به دوستش وعده ای می دهد
و به رایگان از وی دشمن می تراشد.

امث ۷:۲۶-۹

دروغ

- ^{۲۴} دروغ برای انسان لکه ننگ است،
و دائم بر سر زبان ابلهان می باشد.
- ^{۲۵} دزدی به از عادت به دروغگویی است
اما میراث^S هر دو نابودی است.
- ^{۲۶} رفتار انسان دروغگو، عاری از شرف است^T
و از شرم راه گریزی ندارد.

:۲۶:۲۰
:۱۷:۳۱
:۲۲:۱۲
۵:۱۳

۱۳:۷

مزایا و الزامات خرد^U

- ^{۲۷} حکیم^V با گفتارهایش خود را به پیش می برد
و مرد نغزگوی خوشایند بزرگان است.

۸:۸

^P- مأخوذ از امثال عامه که به فیلسوف رواقی زنون (Zenon) نسبت داده می شود. اصل عبری در ترجمه سریانی این گونه آمده است: گفتگوی بی دین در میان عادلان مانند ریختن آب بر سنگفرش است.

^Q- سریانی: حرفی که به موقع گفته نشود مثل دنبه گوسفند است که بدون نمک نمی توان خورد.

^R- وضع فقیر طوری است که می تواند وی را از مخاطراتی محفوظ دارد و ضرورتاً مقید به زهد و فضیلت است، اما کم روئی می تواند مایه نابودی اش باشد زیرا قادر به مقابله با ابله نیست (آیه ۲۲) یا خود را به اموری متعهد می کند که از عهده اش بر نمی آید (آیه ۲۳).

^S- تحت اللفظی: ارث خواهند برد.

^T- یا می توان چنین درک کرد که دروغ عادت می شود. در نسخه سریانی ممکن است معنای اصلی محفوظ مانده باشد: پایان کار دروغگو، رسوائی است.

^U- عنوان فرعی از نسخه یونانی اقتباس شده که ضرب المثل است.

^V- از نسخه سریانی تصحیح شده است. بر اثر اشتباه ساده ای در متن یونانی، همه نسخ یونانی چنین اند: آن کس که در سخن خردمند است به جلو می رود. نوع دیگری هم می توان معنا کرد: خردمند به مدد سخنش به پیش می تازد.

۲۸ هر کس زمین را بکارد پشته بزرگی [از گندم] خواهد داشت
و هر کس خوشایند بزرگان باشد باعث بخشایش ظلم می شود.^w
۲۹ هدایا و عطایا چشمان حکیمان را کور می کند ،
و چون پوزه بندی بر دهان مانع از سرزنش کردن می گردد.
۳۰ حکمت مخفی و گنج نامرئی به چه کار آیند؟
۳۱ مردی که حماقت خود را پنهان می کند
از مردی که حکمت خود را مخفی می کند بهتر است.^x

خروج ۸:۲۳
تث ۱۹:۱۶
امت ۱۴:۲۱
لو ۱۱:۳۳
مت ۱۳:۵۲
۲۵:۲۵

گریز از گناه

۲۱ ای فرزند، اگر گناه کرده ای دیگر آن ها را از سر مگیر،
بلکه برای خطاهای گذشته ات طلب بخشایش کن.
۲ از گناه همان گونه بگریز که از برابر مار می گریزی^y،
زیرا اگر به وی نزدیک شوی، تو را نیش خواهد زد؛
دندان های وی چون دندان های شیر است
که زندگانی را از آدمیان می ستاند.
۳ هر ظلمی^z چون تیغ دو دمه است،
زخم آن را درمانی نیست.
۴ حواس پرتی^a و گستاخی ثروت را بر باد می دهند،
همچنین خانه متکبر بر باد خواهد رفت.
۵ نیایش فقیر از دهانش به گوش خداوند خواهد رسید ،
و دیری نمی گذرد که عدالت در حقش جاری خواهد شد^b.
۶ هر کس از توبیخ روی گردان باشد در پی گناهکار گام برمی دارد،
اما هر کس از خدا بترسد در قلب خود به راه راست می آید.^c

۲۵:۱۷

مز ۱۸:۷

مز ۱۸:۳۵-۲۱

w- همان طور که کار نیکو ثمر خود را دارد، موقعیت ممتاز داشتن هم موجب مداخله موثر در موارد ظلم می گردد. به معنای دیگر:
از خطاهای خود پوزش طلبیدن.

x- در یک نسخه یونانی اضافه شده است: آن که در طلب خدا پایداری تزلزل ناپذیری دارد بهتر از آن کسی است که زندگانش
را بدون سرور می گذراند.

y- نویسنده خطرات گناه را با مار (ر.ک. پید۳:۱؛ امت۲۳:۳۲) و شیر (یول۶:۲۷؛ بنسی۱۰:۱۰؛ ۱-بطر۵:۸) و شمشیر خطرناک
دو دمه (مز۱۴۹:۶؛ امت۵:۴) مقایسه می کند که غالباً به آن اشاره می شود (۲۱:۲۲؛ ۲۸:۲۶؛ ۳۰:۳۹؛ ۴۰:۹؛ ۴۶:۲).

z- واژه anomia (ر.ک. ۱۱:۲۳؛ ۱۸:۴۱؛ ۲۰:۴۶؛ ۲:۴۹) در زبان عبری دارای معانی زیادی از جمله گناه، پلیدی و ظلم
است. در کتاب مقدس یونانی، اغلب از واژه شناسی چنین درک می شود که این کلمه رابطه ای با تورات دارد. می توان در
اینجا ترجمه کرد: تجاوز از قانون (ر.ک. ۱-یو۳:۴).

a- این واژه یک استثنا غلط است که معنای آن دقیق نیست. بیشتر معنای تحسین و شگفتی را می رساند که از انباشتن
بی شرمانه ثروت ایجاد می شود.

b- تحت اللفظی: داوری وی بدون تأخیر فرا می رسد. سریانی: تا به داور جهان (یا داور قرن ها) رسیده است.

c- در قلبش محفوظ می دارد.

- ۷ خوش صحبت تا دور دست ها شناخته می شود^d
 اما مرد فکور به خبط های^e خود آگاه است. امت ۲۸:۱۱
- ۸ هر که خانه اش را با پول دیگری بنا کند
 به کسی ماند که برای قبر خود^f سنگ انبار کند. :۱۶:۷
 ۹ انجمن بدکاران کلاف سر درگم است،
 که در شعله آتش نیست خواهد شد^g. ۶:۱۶
- ۱۰ جاده گناهکاران بدون سنگ و کلوخ گسترده است^h
 اما چاه هاویه در انتهای آن استⁱ. مت ۱۳:۷-۱۴

چهره حکیم و احمق

- ۱۱ هر کس تورات را رعایت کند، عنان فکرش^j را به دست دارد
 و ترس از خدا به حکمت منتهی می شود.
- ۱۲ آن کس که ماهر^k نباشد نمی تواند یاد بگیرد،
 اما مهارتی هم هست که تلخی می زاید.
- ۱۳ دانش حکیم چون طوفان^l رو به افزایش است،
 و اندرز وی چون چشمه آب حیات^m می باشد. امت ۱۸:۴
 ۱۴ قلب نادان چون ظرف شکسته استⁿ
 که هیچ معرفتی در آن بند نمی شود. ار ۱۳:۲
 ۱۳:۱۷

- d - تحت اللفظی: آن کس که حراف است مشهور خاص و عام می باشد.
- e - تحت اللفظی: می داند کی می لغزد. متن سریانی ممکن است به اصل نزدیک تر باشد: خردمند می داند چه در پیش رو دارد و فوراً پی به خیانت می برد.
- f - در برخی نسخ: برای زمستان.
- g - سریانی: قدرت بدکاران در کنار آتش مانند تلی ماسه زیر پای پیرمرد است.
- h - در مورد این معنا ر. ک. اش ۲۵:۲۸؛ ۲۵:۴۵؛ ۲:۶۲؛ ۱۰:۶۲. برخی از روی نسخه لاتینی چنین درک می کنند: راهی که خوب سنگفرش شده باشد سر راست است. راهی که برای گناهکار راحت است، هر چه زودتر وی را به نیستی می کشاند، ر. ک. امت ۱۴:۱۴؛ ۱۲:۱۶؛ ۲۵:۱۶.
- i - با تأکید بر ایمان به پاداش و سزای شخصی (ر. ک. ۲:۱۰؛ ۹:۱۲؛ ۱۱:۲۶-۲۷؛ ۱۲:۳؛ ۳:۱۲)، اما بن سیراخ اغلب آن را به زندگانی حاضر بر زمین محدود می گرداند تا در اینجا بیشتر از یک آغاز عقیدتی که بعدها شرح و بسط خواهد یافت دیده شود. متن لاتین واضح تر بیان می کند: سرانجام به دوزخ ظلمات و عذاب می رسد.
- j - در متن عبری بی تردید واژه *yecer* به کار رفته که در متن سریانی هم دیده می شود و توضیح دهنده متن یونانی است. اما معنای آن هنوز هم در اینجا خنثی است، ر. ک. بنسی ۱۴:۱۵ توضیح.
- k - واژه ای که اینجا به مهارت ترجمه شده برابر متن ممکن است دارای معنای دوگانه تحسین آمیز یا تحقیر آمیز باشد که به معنای مهارت و استعداد در اعمال نیکو و تردستی و زرنگی در اعمال بد باشد (ر. ک. ۱۹:۱۹؛ ۲۳:۳۷؛ ۱۹:۳۷).
- l - ر. ک. پید ۱۷:۷-۱۸ (متن یونانی). طوفان همیشه تصویر عقوبت نیست بلکه ممکن است نماد وفور برکت خداوندی هم باشد (۲۲:۳۹) مع الوصف ممکن است اصل آن در متن سریانی محفوظ مانده باشد: همانند چشمه آب.
- m - تحت اللفظی: سرچشمه حیات. سریانی: چون آب های زنده. در مقابل آب چاه یا قنات و نه به معنای چشمه ای که حیات بخش است. (امت ۱۳:۱۴) ر. ک. *Pirqe Aboth VI, 1*.
- n - سریانی: قلب شیرین به مانند چاهی است که ترک برداشته.

- ۱۵ اگر مرد فهمیده حرف حکیمانه ای بشنود ،
از آن ستایش می کند و حرف خود را نیز بدان می افزاید ،
اما اگر عیاش آن را بشنود برایش ناپسند است^o
و آن را به پشت [گوش] می اندازد .
۱۶ گفتارهای احمق چون بار سنگین در سفر است ،
اما لبان مرد خردمند پر از فیض .
۱۷ دهان مرد خردمند در انجمن مورد توجه است ،
و درباره سخنان وی هر کس در قلب خود اندیشه می کند .
۱۸ حکمت از دید احمق مانند خانه رو به ویرانی است ،
و علم مرد نادان حرف های بی ربط می باشد^p .
۱۹ انضباط برای احمق چون غل و زنجیری به پاهاست ،
و چون دستبندهایی به دست راست .
۲۰ احمق وقتی می خندد ، صدا را بلند می کند ،
اما مرد آگاه آهسته در سکوت می خندد^q .
۲۱ برای مرد محتاط ، انضباط چون زیوری زرین است ،
و چون بازوبندی به بازوی راست .
۲۲ احمق با قدم های تند وارد خانه می شود
اما مرد آداب دان با تواضع وارد می شود^r .
۲۳ نابخرد به خانه سرک می کشد
اما شخص مؤدب بیرون می ایستد .
۲۴ پشت در ، گوش ایستادن بی ادبی است
و مرد خردمند از آن احساس شرم می کند^s .
۲۵ لبان پرگویان به خبط و خطا و بی ربط در جنبش^t است ،
اما سخنان مرد خردمند به میزان سنجیده شده اند .

۳۰ ، ۲۴:۶

۲۵:۲۸

o- سریانی: آن را مسخره می کند.

p- برخی ترجیح می دهند از متن سریانی استفاده کنند که بیانگر عقیده انسان نابخرد در مورد حکمت واقعی است: برای احمق حکمت همانند زندان است و علم چون آتش سوزانی برای نابخرد. اما در بخش دوم مترادف زندان می آید که به نظر می رسد منظور پابند یا مانع باشد.

q- به نظر می رسد که این آیه در جای خود قرار نگرفته، برخی جای آن را بعد از آیه ۲۱ یا ۲۶ می دانند.

r- تحت اللفظی: در برابر چهره ای شرم دارد. مرد حکیم متواضعانه در انتظار آن است که درخواست کنند وارد شود.

s- در متون یونانی و سریانی ممکن است سهوی در قرائت روی داده باشد و متن اصلی عبری درست خوانده نشده باشد: گوش ها را می بندد.

t- در متن یونانی و سریانی درست منتقل نشده است. نسخه اصلی ما در اینجا یونانی است. توصیه شده که چنین معنا شود: لبان بیگانگان با سختی تکلم می کند... سخن گفتن با تانی که برای ایشان الزامی است برای خردمندی که هرچه به زبان می آورد قبلاً می سنجد طبیعی است.

۲۶ قلب احمق در دهانش است
 اما قلب حکیمان، دهان آنان است.^u
 ۲۷ وقتی بی دین شیطان^v را لعنت می کند،
 خود را لعنت می کند.
 ۲۸ خیرچین خود را آلوده می کند
 و خود را منفور اطرافیان می سازد.

تنبل

۲۲

۱ تنبل مثل سنگ گل آلود است،
 و همه به بی حیایی وی فریاد می کنند.
 ۲ تنبل توده فضله را ماند،
 هر کس به آن دست زند آلوده شود.

حزق ۱۲:۴

فرزندانی که به بدی می گرايند

۳ داشتن پسر احمق ننگ پدر است،
 اما تولد دختر مایه سرافکندگی^w اوست.
 ۴ دختر خردمند شوهری به میراث خواهد داشت،
 اما دختر ننگین مایه اندوه آن کس باشد که وی را زائیده^x است.
 ۵ زن گستاخ مایه شرم پدر و شوهرش است
 و هر دو وی را حقیر می شمارند.
 ۶ ساز و آواز در سوگواری مانند گفتار نابهنگام باشد،
 اما ترکه تأدیب و اصلاح در همه حال حکمت است.^y

امت ۲۱:۱۷

امت ۴:۱۲

۱:۳۰

u- احمق قبل از اندیشیدن سخن می گوید. مرد حکیم اول می اندیشد و سپس افکارش را بیان می کند.
 v- شیطان که از متن یونانی گرفته شده یعنی خصم و دشمن مرد بی دین یعنی مرد نیکو و پارسا اما در زمان بن سیراخ شیطان چون فردی شریر و نابکار مد نظر بود (ر.ک. ایوب ۱-۲، ۱-توا ۲۱:۱) که در این صورت هویت وی غربزه شراست (ر.ک. لو ۳:۲۳؛ یو ۲۷:۱۳). در متن لاتین، ابلیس آمده است. گناهکار در گیر شر خود است و نه اهریمن.
 w- تولد دختر بدبختی تلقی می شد. تلمود (Menahot 43b) از مرد می خواهد هر روز به خاطر این که زن و برده آفریده نشده خدا را شکر کند. لذا معنا ندارد برای حفظ مواز نه فی المثل به دختر شریر یا بدکاره اشاره شود. ر.ک. گرفتاری پدر مذکور در ۹:۴۲-۱۴.

x- تحت اللفظی: دختری که مایه شرم شوهرش باشد: نتیجه آن است که پدرش وی را بد تربیت کرده است.
 y- تمام نویسندگان کتاب های حکمت به وضوح طرفدار تنبیه بدنی هستند (ر.ک. امت ۱۳:۲۴، ۱۸:۱۹، ۱۵:۲۲، ۱۳:۲۳-۱۴:۱۴؛ ۱۵:۲۹) که بسیار موثرتر از توبیخ و سرزنش است که ممکن است محدودراتی داشته باشد. برخی متون یونانی در اینجا دو آیه اضافه کرده اند (تفسیر بدیهی): ۷ فرزندان که دهانشان به روزی می رسد و زندگانی شرافتمندانه ای دارند، تنگدستی خانواده را می پوشانند. ۸ فرزندان که بد بار آمده باشند، مایه سرافکندگی خاندان شرافتمند خود هستند.

احمق اصلاح ناپذیر است

۹ آموزش احمق چون بند زدن ظروف چینی شکسته باشد،
یا چون بیدار کردن خفته ای از خواب گران^Z.
۱۰ هر کس با احمق بحث کند، با خفته ای بحث می کند؛
در پایان احمق می گوید: «موضوع چه بود؟»
۱۱ بر مرده باید گریست: چرا که وی نور را از دست داده؛
بر احمق هم باید گریست، چرا که وی خرد را از دست داده؛
به آرامی بر مرده باید گریست، چرا که آرامش یافته است؛
اما برای احمق بدتر از مرگ، زندگانی است.
۱۲ برای مرده سوگواری هفت روز^a می انجامد
اما برای احمق و بی دین همه روزهای زندگانشان.
۱۳ با نابخرد سخن میفزای
و به نزد بی فهم مرو^b،
تا در دسر نداشته باشی، خود را از وی برحذر دار،
و برای آن که در تماس با وی آلوده نگردی
روی از وی بگردان که آرامش خواهی یافت
و پرت و پلاگویی های وی تو را ناراحت نگرداند.
۱۴ چه چیزی سنگین تر از سرب باشد؟
و نام او چیست: مگر نه احمق؟
۱۵ حمل شن، نمک و آهن
آسان تر است از تحمل بی خرد^c.
۱۶ چوب بست در ساختمان
به زمین لرزه ای از هم نگسلد^d؛
همچنین قلب استوار به تصمیم هوشمندانه
به هنگام ضرورت اعتمادش را از دست نمی دهد.

Z- یعنی انجام کار کاملاً بیهوده و بی معنا که مایه از دست رفتن وقت و اسباب زحمت است.

a- برابر آداب و رسوم سنتی (ر.ک. پید ۵۰:۱۰؛ یهودیه ۱۶:۲۴). بن سیراخ در ۱۷:۳۸ فقط دو یا سه روز سوگواری را توصیه می کند.

b- سریانی: و با خوک راه نرو. روایت اصلی به مذاق مترجم یونانی بسیار واقع گرایانه آمده اما کاملاً متوجه دنباله قضیه و غلتیدن حیوان در گل ولای است. در تعدادی از نسخ یونانی افزوده شده: زیرا بی آن که متوجه شوی تو را آلوده نفرت خواهد ساخت.

c- با سرگذشت اخیقر: ۲:۴۵-۴۶ مقایسه کنید: «بسر من نمک و سرب حمل کرده ام و هیچ چیز را سنگین تر از وای ندیده ام که دریافت نشده باید بازپرداخت شود، بسرم من نمک و سنگ حمل کرده ام و این را سنگین تر از حالت مردی نیافته ام که در خانه پدر زن سکونت کرده باشد.»

d- شاید منظور الوارهای پی باشد که برای تحکیم دیوار به کار می روند (ر.ک. ۱-پاد: ۶:۳۶؛ ۷:۱۲) یا چوب بستنی که برای استحکام دیوار گلی یا آجری نصب می شود. ر.ک. St. Jerome, In Hab2, 11.

۱۷ قلبی که بر تصمیمی هوشیارانه تکیه دارد،
 مثل اندود^e بر دیوار صاف خواهد بود.
 ۱۸ تیرک های افراشته^f بر بلندی
 در برابر باد دوام نیاورد،
 همچنین قلبی تنبل با اندیشه های احمقانه
 در برابر هر بیمی دوام نیاورد.

وفاداری نسبت به دوستان

۱۹ هر کس چشمی را رنجه دارد، اشک جاری می سازد
 و هر کس قلبی را رنجه دارد احساس را برمی انگیزاند^g.
 ۲۰ هر کس سنگی به پرنده ای اندازد وی را فراری می دهد
 و هر کس به دوست توهین کند دوستی را درهم می شکنند.
 ۲۱ اگر بر دوست شمشیر کشیدی
 ناآمید مشو، می توان بازگشت نمود^h.
 ۲۲ اگر علیه دوست دهان باز کردیⁱ
 نگران مشو، می توان دوباره آشتی کرد؛
 اما توهین، تکبر و افشای راز^j ضربه کشنده^k است
 از برابر همه این ها هر دوستی فرار خواهد کرد.
 ۲۳ اعتماد همنوع خویش را در درماندگیش به دست آر^l
 تا در فراخیش با وی سیر شوی؛
 در زمان مصیبت با وی باش
 تا اگر ارثی برد تو نیز با وی سهیم گردی^m.

۱۰-۸:۶
 ۹:۱۲

- e- تحت اللفظی: مانند تزئینات شنی. در متن سریانی، مجسمه یا نقش آمده که شاید منظور نقوش برجسته باشد. نقش و نگار هر قدر بی دوام باشد استحکام دیوار آن ها را حفظ می کند، درست مانند تفکر که باعث استحکام سخن است.
- f- اشاره کنایی به رسوم فلسطینی ها که بر دیواره های تاکستان سنگ های کوچک قرار می دادند تا وقتی شغال ها از روی آن رد می شوند به زمین در غلتند و موجب بیداری باغبان شود. طبق دیگر نسخه های یونانی: چفته، چفته مو. ترجمه برای کسانی صورت گرفته که متوجه کنایه نمی شدند.
- g - منظور حرف های زلفت همان گونه که از آیه ۲۵ ب برمی آید. بسیاری متن سریانی را ترجیح می دهند: دوستی را از بین می برد.
- h- برخورد صادقانه هر چند تند باشد لزوماً باعث از بین رفتن دوستی نخواهد شد درحالی که شیوه های رفتاری مذکور در آیات قبل ویرانگر است.
- i- در منازعه لفظی، بالا گرفتن آنی خشم در جر و بحث صریح با یک دوست.
- j- ر.ک. ۱۷:۸؛ ۲۷:۱۶-۲۱؛ امث ۱۳:۱۱؛ ۱۹:۲۰؛ ۹:۲۵.
- k- ر.ک. ۲۵:۲۷؛ تث ۲۴:۲۷.
- l- سریانی. دوست خود را حمایت کن. تصور می شود که در اصل عبری این فعل دارای دو معنا بوده است: وفادار بودن، وفادار ماندن و نیز جلب اعتماد، که هر ترجمه ای یکی از این دو معنا را انتخاب کرده است.
- m- در برخی نسخ یونانی افزوده شده: زیرا نباید همیشه ظاهر را خوار شمرد و نه ثروتمند عاری از شعور را تحسین کرد.

۲۴ پیش از آتش، بخار و قبل از تنوره دود است،

۱۵:۲۷

همچنین پیش از خون، دشنام‌هاⁿ.

۲۵ از حمایت دوست خود، هرگز ننگی نخواهم داشت

۱۲:۶

و از چهره وی خود را نخواهم پوشانند^o.

۲۶ و اگر از کار وی مرا بدی رسد،

هر کس بداند خود را از وی دور خواهد نمود^p.

نیایش

۳:۱۴۱ مر

۲۷ چه کسی بندی بر دهانم خواهد زد^q

و مَهْری از رازداری بر لبانم،

تا مانع سقوط من شود،

و زبانم مرا به نیستی نکشانند؟

۲۳^۱ ای خداوند، پدر^r و مالک زندگانی من،

مرا به نیت آنان رها مکن،

و مگذار که آنان باعث سقوط من شوند.

۲ چه کسی ترکه‌های تأدیب را بر افکارم

و انضباط حکمت را بر قلبم به کار خواهد بست

بی آن که خطاهای جهالت‌م را نادیده گیرد

و از خطاهایم درگذرد؟

۳ از بیم آن که خطاهای من افزون نگردد

n- این آیه باعث قطع جریان مطلب می‌شود و بهتر بود بین آیات ۲۰ و ۲۱ قرار می‌گرفت.

o- به نظر می‌رسد این آیه تفسیری از آیه ۲۳ سریانی باشد: اگر دوست تو فقیر شود از وی شرم‌منده مشو و خود را از او پنهان مکن.

p- اگر حق ناشناسی وی باعث برهم خوردن تفاهم گردد این امر لاقبل برای دیگران سرمشقی خواهد بود که مراقب خود باشند. سریانی: اگر دوستت رازی را بر تو آشکار کند، آن را سر زبان‌ها می‌فکن از بیم آن که هر کس آن را از تو شنود از تو پرهیز کند و تو را بدخواه بدانند.

q- این حالت استفهام در سبک عبری معادل مسألت و درخواست است.

r- در عهدعتیق ندرتا از واژه پدر برای خدا استفاده شده است. این ابوت اختصاصاً بیشتر به قوم بنی اسرائیل، نخست زاده خدا

اشاره دارد. (خروج ۴:۲۲، ارمیا ۹:۳۱، ر.ک. روم ۹:۴) و مبتنی بر مفهوم خدای خالق و نجات‌دهنده است و گاه برای پادشاه

مسیحائی هم گفته می‌شود (۲- سمو ۷:۱۴). این واژه گاهی نامعین است (ملایا ۳:۶، ۱۷:۳؛ مز ۱۰۳:۱۳) یا به درماندگان

مربوط می‌شود (مز ۶۸:۶). نامیدن «پدر من» از دهان قوم گناهکار هم بیرون آمده (ارمیا ۴:۳) و اصطلاح «تو پدر من هستی»

(بنسی ۱۰:۵۱) از دهان پادشاه مسیحائی (مز ۸۹:۲۷). در مورد یهودیت یونانی‌گرا رجوع کنید به حک ۲:۱۶، ۱۱:۱۰،

۳:۱۴-۳؛ مک ۵:۷؛ ۴:۶ و ۸:۷؛ ۶:۷. برعکس در یهودیت حاخام‌ها اغلب به واژه «پدر» برخورد می‌شود. در این متن

(همچنین ر.ک. آیه ۴) موضوع قابل توجه است و بیشتر قابل تأسف که به متن عبری آن دسترسی نداریم و تنها یک توضیح

قدیمی به نثر وجود دارد. از این متن و همچنین متن عبری ۱-۵۱:۱۰ می‌توان به یک اصطلاح ابتدائی چون «خدای پدر من»

رسید و لذا می‌توان گفت که ندای فردی «پدر من» خطاب به خدا «تا آن زمان در ادبیات یهودیت قدیم فلسطینی تأیید نشده

است» (J. Jeremias).

و گناهانم برهم انباشته نشود؛
 در برابر دشمنان به زمین نخورم
 و دشمن بر من نخندد.^s
 ۴ ای خداوند، پدر و خدای زندگانی من،
 مرا از شوخ چشمی^t برحذر فرما
 ۵ و حرص را از من بگردان.
 ۶ مباد که امیال شهوانی و تن آسائی^u مرا دربرگیرد،
 مرا به هوس های شرمانه رها مکن.

سوگندها^v

۷ ای فرزند تعلیم را از دهان بشنو. بع ۱۲-۱:۳
 هر که آن را رعایت کند گرفتار نشود.^w
 ۸ گناهکار در بند لبان خویش است
 و دشنام گو و متکبر به دام خویش می افتند.
 ۹ دهانت را به سوگند مت ۳۴:۵
:۲۰:۲۳
بع ۱۲:۵
 و به بردن نام قدوس عادت مده.
 ۱۰ زیرا همانند خادمی که همواره پرسش می کند^x
 از ضربات معاف نیست،
 همین طور هم آن که سوگند می خورد و همواره نام اعظم را بر زبان می آورد
 نمی تواند بری از گناه باشد.
 ۱۱ انسانی که سوگند زیاد می خورد مملو از قصور^y است
 و بلا از خانه اش دور نمی شود.
 اگر به آنها عمل نکند، گناهش بروی ماند
 و اگر آن را حقیر شمارد دو چندان گناه کرده باشد

s- در تعدادی از نسخ یونانی افزوده شده است: که امید و رحمت تو از ایشان به دور است .
 t- منظور از شوخ چشمی مستقیماً غرور نیست بلکه پرروئی و وقاحت (ر.ک. ۹:۲۶) و نگاه بد است (پید ۳۹:۷؛ مت ۲۸:۵).
 طبق نظر بسیاری از مفسران این آیه بایستی بین ۴الف و ب قرار گیرد. اصطلاح ۱ب: مرا به نیت آنان رها مکن (در ارتباط با قلب و افکار مذکور در آیه ۲).
 u- تحت اللفظی: شکم پرستی و زن بارگی.
 v- برخی متون و نسخ یونانی دارای عنوان فرعی «تعلیم دهان» هستند (اقتباس از ابتدای آیه ۷).
 w- یا: هرگز محکوم نگردد (ر.ک. متن یونانی خروج ۲۲:۹).
 x- یا: به پرسش نهادن. فعلی به کار رفته به معنای آزمودن دقیق است اما می تواند به معنای نشان دادن سؤال هم باشد (اع ۲۲:۲۴). درباره رفتار با بردگان ر.ک. ۳۳:۲۵-۳۳.
 y- تحت اللفظی: مملو از جنایت.

و اگر بیهوده سوگند خورده باشد^z براءت نخواهد یافت بلکه در واقع خانه اش از بدبختی پُر خواهد شد^a.

گفتار ناشایست

۱۲ زبانی هست که قابل مقایسه با مرگ است
مباد که آن را در میراث یعقوب^b بتوان یافت!
از پرهیزکاران همه این ها باید به دور باشد،
و نباید در گناه بغلطنند.
۱۳ هرگز دهانت را به دشنام های پست عادت مده
زیرا از آن گفتار، گناه سر می زند^c.
۱۴ وقتی در میان بزرگان می نشینی
از بیم آن که در حضور آنان خود را از یاد نبری
و به جای احمق گرفته نشوی
از پدر و مادرت یادآور،
زیرا بدان زمان می خواستی که زاده نشده بودی
و روز تولدت را لعنت خواهی کرد^d.
۱۵ مرد خو گرفته به گفتارهای توهین آمیز
هرگز در همه روزهایش نتواند اصلاح شود.

ار ۲۰:۱۴:
ایوب ۳:۳

ناپاکی

۱۶ دو نوع شخص گناهان را می افزاینند^e
و سومی خشم را فرامی خوانند.
۱۷ هوس سوزانی که چون آتش شعله ور است
با سوزاندن همه چیز خاموش می شود؛

- z- در مورد این معنای فعل یونانی ر.ک. لاو ۵:۱۸؛ مز ۱۱۹:۶۷ (گناه غیر عمد).
a- این آیه که سبک توضیح المسائل دارد پس از اعلام یک اصل کلی به سه مورد مهم اشاره می کند: سوگند به سهو و اشتباه که نیت بدی در آن نباشد، سوگند بدون مطمئن شدن از مشروعیت آن و سوگند دروغ عمدی.
b- قوم بنی اسرائیل در مقابل مشرکان، یا به عبارت بهتر ارض مقدس (ر.ک. اش ۵۸:۱۴). موضوع کفری است که عقوبت آن مرگ است (لاو ۲۴:۱۶)، پاداشیه قدری سخت است که نویسنده از بازگو کردن آن خودداری می کند.
c- یا امکان یا فرصت گناه کردن هست (با توجه به واژه عبری *dabar* در متن اصلی).
d- بیداری ذهن به ویژه در نزد بزرگان از ضروریات است (۸:۸) و یادبود والدین می بایست باعث تقویت بنی اسرائیل در قبول رفتار شرافتمندانه باشد. عکس آن ممکن است موجب شرمساری باشد و ناراحتی هائی پیش آید تا آنجا که آرزو کند ایکاش هرگز به دنیا نیامده بود.
e- سریانی: روح من از دو نوع شخص نفرت دارد. امثال عددی، روشی است که معمولاً در ادبیات حکمت (ر.ک. ۲۵:۱-۲؛ ۱۱-۷؛ ۲۶:۵؛ ۵۰:۲۵؛ ۱۶:۶؛ ۱۵:۳۰) به منظور برجسته نشان دادن آخرین عنصر از یک سلسله عناصر به کار می رود (همچنین رجوع کنید به سراسر فصل پنجم «گفتار پدران»). در اینجا منظور نویسنده تذکر درباره اهمیت جرم زناست.

- مرد بی شرم در تن گوشتین خود قرار ندارد^f
تا آتش آن را شعله ور سازد،
برای مرد بی شرم هر خوراکی لذیذ است^g
و آرامش نیابد مگر به مرگ.
۱۸ مردی که در بستر خویش گناه می کند
در دل خود می گوید: «چه کسی مرا می بیند؟
تاریکی مرا دربر گرفته و دیوارها مرا پنهان داشته اند
و هیچ کس مرا نمی بیند، از چه بترسم؟
قادر متعال از گناهان من یاد نخواهد کرد»^h.
۱۹ چشمان آدمیان موجب ترس وی هستند
و نمی دانند که چشمان خدا
هزاران بار درخشان تر از خورشید است
و همه راه های انسان ها را می بیند
و به مخفی ترین زوایا نفوذ می کند.
۲۰ پیش از آفرینش، همه چیز برایش آشنا بود،
پس از پایان نیز همچنین است.
۲۱ چنین مردی در کوچه های شهر تنبیه خواهد شد
و در جایی که انتظارش را ندارد، دستگیر خواهد گردیدⁱ.

ایوب ۱۵:۲۴

:۱۹-۱۸:۱۵
:۲۰-۱۹:۱۷
امت ۱۱، ۳:۱۵
امت ۲۱:۵

مز ۱:۱۳۹-۱۲

زن زناکار

- ۲۲ همچنین است زنی که شوهرش را ترک می کند
و وارثی از مرد بیگانه به وی می دهد.
۲۳ زیرا، نخست از تورات باری تعالی سرپیچی کرده،
دوم علیه شوهرش خطا ورزیده،
سوم این که مرتکب روسپی گری و زنا شده
و از مرد بیگانه فرزندان آورده است.
۲۴ او در برابر انجمن برده خواهد شد
و مجازات فرزندانش را خواهد دید^j.

f- تحت اللفظی: برای مرد بی شرم هر چراگاهی خوب است. اصطلاح تن گوشتین در کول ۱:۲۲ هم دیده می شود: ر.ک. توضیح.
g- تحت اللفظی: هر نانی (غذائی) گواراست. هر غذای جدیدی از هوی و هوس همانند قبلی برایش مطبوع و لذت بخش است.
h- تحت اللفظی: خطاهای مرا به خاطر نخواهد سپرد.
i- دقیقاً به معنای اصطلاح عامیانه: توقیف شدن. لاو ۲۰:۱۰ و تث ۲۲:۲۲ در مورد زنا مجازات سنگسار را پیش بینی کرده اند.
بعداً در قوانین یهود تجدید نظر و شلاق زدن جایگزین آن شد اما گویا در زمان بن سیراخ، سخت گیری های قبلی کاهش یافته و متروک شده بود.
j- در مورد نامشروع بودن این موارد و نتایج حاصل از آن ر.ک. تث ۲۳:۳. می توان این گونه نیز درک کرد: نتیجه آن دامن گیر فرزندان خواهد شد.

حک ۳:۴:۱۶:۳

۲۵ فرزندانش ریشه ندوانند
و شاخه هایشان میوه نخواهند داد.
۲۶ آن زن خاطره خود را به لعنت باقی گذارد
و ننگ آن پاک نشود.
۲۷ کسانی که از آن پس آیند، خواهند دانست^k
که هیچ چیز بهتر از ترس خدا
و هیچ چیز گوارتر از توجه به احکام وی نباشد^l.

۱۰:۴۶
جا ۱۳:۱۲

بخش ج

در مدح حکمت^m

ایوب ۲۸:
امت ۱:۲۰-۳۳:
۸: ۹:۱-۶:
بار ۳:۹-۴:

۲۴^۱ حکمت مدح خویش را می سراید
و در میان قومش شکوهمند است.
۲ در جماعت باری تعالیⁿ دهان می گشاید
و در برابر قدرتش خود را تجلیل می کند:
۳ «من از دهان^o باری تعالی بیرون آمده ام
و بسان بخاری سرزمین را پوشانده ام.
۴ من در بلندی ها خیمه خود را برافراشته ام^p
و تخت من در ستونی از ابر بوده است^q.
۵ به تنهایی فلک را گشته ام
و در ژرفنای وادی مردگان قدم زده ام.
۶ بر امواج دریا و سراسر زمین
و بر تمام اقوام و همه ملت ها چیره بوده ام.

امت ۲:۶

۱:۱

امت ۸:۲۷

k- سریانی: همه ساکنان آن سرزمین خواهند فهمید.

l- برخی نسخ یونانی می افزایند: پیروی از خداوند افتخار بزرگی است، / چون مقبول وی باشی زندگانی دراز یابی.

m- عنوان دست نوشته ها بیشتر در بخش اول که حکمت خود رشته سخن را به دست می گیرد به کار رفته است (۱:۲۲). این باب اوج کتاب است که به صورت ترکیبی از آموزه حکمت، نقش آن در آفرینش و تاریخ نجات بیان شده است. این متن مهم بر تدوین الهیات تثلیث در مسیحیت تاثیر گذاشته و الهام بخش توصیف نقش کلمه در باب اول انجیل یوحنا بوده است. در کتاب بن سیراخ، موضوع از شخصیت بخشیدن شاعرانه به مخاطبی الهی فراتر نمی رود که به ویژه در تورات جلوه گر می شود. یهودیت متأخر طبعاً بعدها به ایده وجود پیشین تورات رسید.

n- یعنی قوم بنی اسرائیل، جامعه خداوند (ر.ک. بنسی ۱۵:۵؛ تث ۲۳:۲-۴؛ ۱-تو ۲۸:۸).

o- تعیین هویت حکمت و سخن خلاق، احتمالاً در ادامه اقدام روح خدا در پیدایش ۲ است. با این وجود، تصویر ارائه شده در اینجا متفاوت است و بیشتر در جهت بیان نفوذ جهان شمول این حکمت در سراسر عالم می باشد.

p- تحت اللفظی: چادر خود را زده ام (اشاره ضمنی به واژه شکینا (مسکن) که در ادبیات یهودی بیانگر «حضور الهی» است.

q- ابری که خدا در بیابان در آن تجلی می کرد (خروج ۱۳:۲۱-۲۲؛ ۳۳:۹-۱۰). فیلون اسکندری نیز بر هویت مشابه ابر و حکمت تأکید دارد.

۷ در میان آنان جائی آرام جسته ام:
 در قلمرو چه کسی قرار توانم گرفت؟^۴
 ۸ آنگاه، آفریننده هستی دستوره‌های خود را به من داد،
 آن کس که مرا آفریده خیمه مرا زده است،
 و مرا گفته است: "خیمه ات را در یعقوب برافراز،
 و میراث خویش را در اسرائیل بگذار."
 ۹ پیش از سده‌ها، از همان آغاز، او مرا آفریده،
 و تا ابدیت از هستی باز نمانم.
 ۱۰ در خیمه مقدس در حضور وی عبادت کرده‌ام^۵
 و همچنین در صهیون مستقر شده‌ام.
 ۱۱ در شهر محبوب نیز مرا آسایش داده
 و قدرتم در اورشلیم به کار گرفته شده است.
 ۱۲ من در میان قومی با افتخار ریشه گرفته‌ام،
 در حصه خداوند، در میراث وی.
 ۱۳ چون درخت سدر لبنان افراشته شده‌ام
 و چون سروی بر بلندی‌های حرمون.
 ۱۴ چون نخلی در عین جدی^۶ برافراشته شده‌ام
 و چون گیاهان خرزهره در اریحا،
 چون درخت رعنا^۷ زیتون در دشت
 و چون چناری قد برافراشته‌ام.
 ۱۵ چون دارچین^۸ و بلسان معطر
 و چون مری برگزیده بوی خوش خود را تراویده‌ام،
 چون انگم و انگژد و بنه
 و چون دود کندر در خیمه.
 ۱۶ چون درخت سفز شاخه‌های خود را باز کرده‌ام،

پید ۱:۱:
 امت ۸:۲۳:
 یو ۱۷:۵:

T- حکمت به صورت مأمنی تجسم یافته که بر روی زمین می‌توان در آن قرار گرفت: خدا مقرر بنی اسرائیل را آنجا قرار می‌دهد.
 این مطلب را با افسانه ربی‌ها که مورد تأیید ترجمه تفسیری (Targum) (تث ۳۳:۲) و تلمود (Aboda Zara 2b) قرار گرفته
 مقایسه کنید که بنا بر آنها حکمت به همه قوم‌ها ارزانی شده اما فقط قوم بنی اسرائیل از آن استقبال کرده است.
 S- حکمت، خدمت کهنانتی را اول در عبادتگاه صحرا (خروج ۲۵-۲۸) و سپس در معبد اورشلیم بر عهده دارد. شخص بن سیراخ
 به کهنانت (۶:۴۵-۶:۲۵؛ ۱:۵۰-۲۱) و به عبادتی که به عنوان عمل حکمت الهی بیان می‌شود ارادت خاص دارد زیرا تورات
 آن را تدوین نموده است.
 t- مجلی در کلز بحرالمی (یوشع ۱۵:۶۲) که نخل‌های آن مشهور است (۲-۲:۲۰). منطقه اریحا به خاطر انبوه عظیم خرزهره‌ها
 معروف است. دشت اریحا به سوی کوهستان یهودیه در جهت دریا ادامه دارد. ر.ک. مقایسه ای مشابه در ۸:۵۰-۱۰.
 u- ماهیت برخی از این گیاهان معطر زیاد روشن نیست. به خصوص به کاربرد آن‌ها در مراسم عبادی توجه کنید: واژه‌های به کار
 رفته در اینجا در متن یونانی خروج ۳۰:۲۳، ۳۴ هم یافت می‌شود.

و شاخه‌های من شاخه‌های افتخار و فیض اند.
 ۱۷ چون تاکی به فیض جوانه زده ام
 و گل‌های من میوه افتخار و برکت می‌دهند.^۷
 ۱۹ «ای کسانی که خواهان من هستید به سوی من آیید
 و از میوه‌های من سیر شوید.
 ۲۰ زیرا یاد من گواراتر از عسل است
 و میراث من عالی‌تر از شانه عسل.
 ۲۱ آنان که مرا خورند باز گرسنه باشند
 و آنان که مرا نوشند باز تشنه^W.
 ۲۲ آن کس که از من اطاعت کند، شرمنده نشود
 و کسانی که با من کار کنند^X گناه نخواهند کرد.»

حکمت و تورات^Y

۲۳ همه این‌ها، کتاب عهد‌خدای باری تعالی است،
 توراتی که موسی به ما امر فرموده است
 همانند میراثی برای جماعت‌های یعقوب^Z.
 ۲۵ چون فیشون^a حکمت از آن به فراوانی پدیدار می‌شود
 و چون دجله در موسم نوبر.

خروج ۲۴:۷؛
 بار ۴:۱

۷- برخی نسخ یونانی حاوی این تفسیر مهم هستند: ۱۸ من مادر محبت جمیل، ترس، علم و امیدواری مقدس هستم. من که همواره پایدارم، به همه فرزندانم ارزانی شده‌ام، فرزندان را که خدا برگزیده است. متن ولگات بخش نخست را ذکر می‌کند و می‌افزاید: تمام نعمت راه و راستی در من است، همه امید زندگی و قدرت در وجود من می‌باشد (بدون شک از یو ۶:۱۴ الهام گرفته است).

W- حکمت اشتهای کسانی را که از آن بخورند و بیاشامند تحریک می‌کند زیرا چیزی خواستنی‌تر از حکمت نباشد. وقتی عیسی از آبی سخن می‌گوید که تشنگی را فرو می‌نشاند (یو ۴:۱۳-۱۴) و غذائی که گرسنگی را از بین می‌برد (یو ۶:۳۵) به نظر می‌رسد سخنان او در مورد خوراکی که مؤمنان را سیر می‌کند با این تصویر مغایرت دارد اما حاوی همان ایده است چرا که موجب تعالی می‌شود، حال چه حکمت آن را آورده باشد، چه عیسی.

X- تحت اللفظی: کسانی که در من کار کنند. سریانی: کسانی که مرا به خدمت گیرند.

Y- بن سیراخ پس از موعظه حکمت، آن را با تورات موسی یکسان می‌نماید و از غنای آن در مقایسه با پرآبی رودهای مشهور و عظمت دریا حرف می‌زند. چنین توصیفی درباره تورات، در یهودیت اواخر عهدعتیق مرسوم بوده و اغلب در کتاب مقدس یونانی دیده می‌شود (بار ۴:۱).

Z- ر.ک. ت ۳۳:۴ (یونانی). منظور از جماعت‌ها به صیغه جمع اشاره به مجامع کنیسه‌ها است. کنیسه‌ها به خصوص پس از دوران تبعید به یکی از نهادهای اساسی یهودیت به ویژه در جوامع یهودیان پراکنده تبدیل شدند. وجود آن‌ها در مصر حداقل پس از بطلمیوس سوم (نیمه دوم قرن سوم ق.م) تأیید شده است. برخی نسخ یونانی می‌افزایند: ۲۴ از تقویت خود به مدد خداوند کوتاهی نکنید/ به وی پیوند یابید تا شما را مستحکم دارد/ خداوند قادر متعال، خدای بیگانه است/ و بدون او هیچ نجاتی نیست.

a- در مورد رودهایی که نام برده شده ر.ک. پید ۱۱:۲-۱۴. یادآوری نام این رودها بیانگر این است که تورات برپائی مجدد فردوس نخستین بر روی زمین را مجاز می‌داند. ترگوم (پید ۳:۲۴) تورات را به درخت زندگانی تشبیه می‌نماید.

۲۶ خرد را چون فرات متلاطم ساخته است
 و چون نهر اردن به موسم برداشت^b.
 ۲۷ تعلیم را چون نیل^c جهانیده است
 و جیحون را چون موسم انگور چینی.
 ۲۸ اولین هنوز شناخت وی را به پایان نبرده ،
 و نه آخرین ژرفای وی را دریافته است^d.
 ۲۹ زیرا اندیشه اش وسیع تر از دریاست ،
 و تدبیرش بزرگتر از هاویه عظیم.
 ۳۰ و من^e چون کانالی منشعب از رودخانه
 و چون جریان آبی، به سوی مرغزاری^f در آمدم.
 ۳۱ گفتم: « بوستان خود را آبیاری کنم
 و باغچه خود را سیراب سازم. »
 و اینک کانال من بدل به نهری شده
 و رودخانه بدل به دریا.
 ۳۲ من دانش را چون فجر می درخشانم ،
 و درخشش آن را تا به دور دست ها می پراکنم.
 ۳۳ باز هم تعلیم را مانند نبوت اشاعه می دهم
 و برای نسل های آینده باقی می گذارم.
 ۳۴ بنگرید که تنها از بهر خودم زحمت نکشیده ام ،
 بلکه برای همه کسانی که در جستجوی آنند.

۱۸:۳۳

شوهر خوب و شوهر بد^g

۲۵^۱ سه چیز است که روحم با شور و شوق در آرزوی آن هاست^h
 و برای خدا و آدمیان نیکو منظرند:

b- ر.ک. یوشع ۳:۱۵؛ ۴:۱۸.

c- در بسیاری از نسخ به جای نیل، رودخانه یا نهر آمده زیرا در زبان عبری بین واژه نیل و روشنائی ممکن است اشتباه پیش آید.

d- سبک عبری (اول... آخر = سراسر جهان) در بیان ثروت پایان ناپذیر حکمت.

e- نویسنده، تصاویر بازگو شده در سطور بالا را در انطباق با خود به کار برده و خود را با کانالی مقایسه کرده که اندکی از وفور و برکت آب های حکمت را بر دیگران جاری کرده است. همانند انبیا می خواهد تعالیم خود را به نقاط دور دست تر ببرد و در دسترس نسل های آینده قرار دهد.

f- تحت اللفظی: بهشت. این واژه بسط تصویر مذکور در آیات ۲۵-۲۷ است.

g- بن سیراخ پس از تمجید از هماهنگی بین زن و شوهر، از شوهر خوب و بد (۲-۱۱) و به ویژه از پیرمرد بی وفا صحبت می کند پیش از آن که سلسله طولانی تفکرات خود را درباره زن نیک سرشت و بد سرشت بیان نماید (۲۵:۱۳-۲۶:۱۸).

h- این متن از روی متن سریانی و لاتین تصحیح شده است. نسخ یونانی از حکمت سخن می گویند: با سه چیز خود را می آریم و خود را نیکو منظر می سازم.

توافق بین برادران، دوستی بین همسایگان ،
 و زن و شوهری که با هم سازش کامل دارند.
 ۲ اما سه نوع افراد هستند که روحم از آن‌ها اکراه دارد ،
 و زندگی شان مرا به شدت برآشفته می کند:
 فقیر متکبر، ثروتمند دروغگو،
 و پیر زناکار که عاری از فهم باشد.
 ۳ اگر به جوانی ذخیره نکرده ای ،
 پس چگونه خود را به پیری دریابی ؟
 ۴ چه برازنده است سپید مویان را داوری
 و قدما را مشورت طلبی !
 ۵ حکمت پیران چه نیکو منظر است
 و فخر اندیشه و مشورت نزد ایشان !
 ۶ تاج کهنسالان، تجربه بزرگ ایشان
 و غرورشان، ترس خداوند است.
 ۷ نه چیز است که در قلبم آن‌ها را سعادت می دانم
 و دهمین را زبانم خواهد گفت:
 مردی که شادی خود را در فرزندانش باز می یابد،
 و آن که در حیات خود سقوط دشمنانش را می بیند.
 ۸ سعادت‌مند کسی است که با زنی هوشمند زندگانی می کندⁱ
 و آن که هرگز به زبانش نلغزیده باشد،
 و کسی که اربابی نالایق تر از خود را خدمت نکرده باشد.^j
 ۹ سعادت‌مند کسی است که احتیاط را یافته باشد^k،
 و آن که سخن خود را در معرض گوش‌های شنوا قرار می دهد.
 ۱۰ چه بزرگ است آن کس که حکمت را یافته باشد!
 اما هیچ کس برتر از آن نیست که از خداوند نترسد.
 ۱۱ ترس خداوند فراتر از همه چیز است:
 کسی را که به آن پیوسته با که می توان مقایسه کرد!^l

۲۷:۲۳
 ۲۶:۴۰-۲۷:
 امت ۱:۷

i- طبق متون سریانی و عبری در اینجا باید افزود: کسی که با گاو نر و الاغ شخم نمی زند (ر.ک. لاو:۱۹؛ تث:۲۲:۱۰). این مطلب که پیش در آمد رقم ده سعادت اعلام شده می باشد، بیانی تصویری از زوجی نامتناسب است (ر.ک. ۲-قرن:۶:۱۴).

j- متون عبری و سریانی بیانی دقیق تر دارند: که از وی پست تر (پائین تر) است.

k- سریانی: خوشا به سعادت آن کس که دوستی یافته است؛ در متن لاتین: یک دوست واقعی .

l- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۱۲ ترس خداوند آغاز محبت وی است، اما با ایمان است که می توان به وی پیوست.

زن بد

- ۱۳ هر جراحی جز جراحی قلب بی اهمیت است^m،
و هر شرارتی جز شرارت زن!
- ۱۴ هر بدبختی جز بدبختی از جانب آن کس که از شما نفرت دارد بی اهمیت است
و هر انتقامی جز انتقام از سوی دشمن!
- ۱۵ زهریⁿ بدتر از زهر مار نیست
و نه غضبی بدتر از غضب زن^o.
- ۱۶ مرا خوش تر آن باشد که با شیر یا ماری عظیم الجثه به سر برم
تا با زنی شریر سر کنم.
- ۱۷ شرارت زن وجهه اش را دگرگون می کند^p
و چهره اش را همانند خرس عبوس می سازد.
- ۱۸ شوهرش به میان همسایگان می نشیند^q
و برخلاف میل خویش به تلخی ناله سر می دهد.
- ۱۹ هر بدی، در کنار بدی زن ناچیز است،
باشد که تقدیر گناهکار بر وی افتد!^r
- ۲۰ سربالایی شنی زیر پای مرد سالخورده
مانند زن پُر حرف برای شوهر آرام است.
- ۲۱ مگذار که فریفته زیبایی زن شوی^s،
و از اشتیاق به زن برحذر باش.
- ۲۲ همه اش خشم^t، وقاحت و شرم است،
هنگامی که زن، خرج شوهرش را می دهد!
- ۲۳ قلب شکسته، چهره محزون
و زخم دل، این است عمل زن بد خو.
دست های نالایق و زانوان لرزان^u

امت ۲۱: ۹، ۱۹؛
۲۴: ۲۵

m- متون عبری و سریانی دارای حرف ربط «مانند» قبل از بخش دوم عبارات این دو آیه هستند که معنای آن چنین است: هیچ زخمی هر قدر عمیق باشد مانند... نیست.

n- متن یونانی که دارای واژه سر است در عبری درست ترجمه نشده زیرا rosh دو معنا دارد سر و زهر (ر.ک. تث ۳۲: ۳۳؛ ایوب ۲۰: ۱۶).

o- در متن سریانی و برخی متون یونانی و لاتین در متون دیگر: خشم دشمن (از ۱۴ ب).

p- عبری: شرارت زن وجهه شوهرش را تیره می گرداند و وی را سبه چهره تر از خرس می سازد.

q- این فعل به معنای سر سفره نشستن هم هست. پس می توان چنین فهمید که چنین شوهری غذایش را جای دیگر صرف می کند.
r- یا به عبارت بهتر: تقدیر کاری کند که این زن همسر یک گناهکار شود (به جبران گناهان چنین مردی! یا: با وی به بدی رفتار خواهد کرد).

s- یا: خود را در معرض لغزش قرار مده. عبری: (به خاطر زیبایی زن) از وی لغزش مخور و حریص آنچه دارد مشو. در انتخاب زن نباید زیبایی و ثروت او را در نظر گرفت بلکه مهمترین چیز شخصیت اوست.

t- سریانی: بردگی عظیم. متن عبری از بین رفته و شاید بنا بر معنای نسخه سریانی یا یونانی تصحیح شده باشد.

u- تصویر انحطاط جسمانی و اخلاقی (ر.ک. اش ۳۵: ۳؛ مز ۱۰۹: ۲۴)، برخلاف امثال ۳۱: ۱۱-۱۲.

این است عمل آن کس که شوهرش را سعادتمند نمی کند.
 ۲۴ گناه با زن آغاز شد
 و به خاطر اوست که همه می میریم.^v
 ۲۵ به آب منفذی برای عبور مده^w
 و نه به زن بدخو آزادی.
 ۲۶ اگر مطابق میل تو رفتار نمی کند^x
 وی را از تنت جدا کن^y.

سعادت مردی که ازدواج مناسبی کرده است

۲۶^۱ زن نیکو، شوهر را سعادتمند می سازد
 و شمار روزهایش دو چندان خواهد بود.^z
 ۲ زن دلیر موجب خوشنودی شوهرش است
 و او تمام سال هایش را در صلح به سر خواهد برد.
 ۳ زن خوب، قرعه نیکوست،
 که چون قسمت سزاوار شخص خدا ترس، به وی داده شده است.
 ۴ چه دارا و چه ندار، قلبی راضی^a
 و در هر حال چهره ای شاد دارد.

امت ۳۱:۱۰

زن بد

۵ سه چیز است که قلب مرا می ترساند
 و به خاطر چهارمین به خدا پناه می برم:
 نهمتی که در شهر می پیچد، جمعیتی برانگیخته
 و رابطه ای نادرست، همه آن ها عذاب آورتر از مرگ هستند.
 ۶ اما زنی که دیگری را به حسادت وامی دارد ناکامی و سوگ است،
 و بالاتر از همه این ها بلای زبان است^b.

v- منظور گناه اولیه است (پید۳:۶) که زن، مرد را به سوی آن می کشاند و باعث مرگ می شود (پید۳:۳، ۲۲). پولس رسول در تیمو۲:۱۴ از این متن الهام گرفته اما او معمولاً آدم را اولین مسئول می داند (روم ۵:۱۲؛ ۱-قرن ۱۵:۲۱-۲۲).
 w- تصویر چاهی که آب را نگه نمی دارد و ترک برداشته (یا کانال های آب که خوب نگاهداری نشده اند) بیشتر منظور را می رساند تا بالا کشیدن آب برای جلوگیری از حادثه.
 x- تحت اللفظی: در دست تو نیست یعنی تحت فرمان و تصمیم تو نیست.
 y- تث ۲۴:۱ طلاق و رد کردن زن را پیش بینی کرده هرچند که به موجب ازدواج «یک تن» شده اند (پید۲:۲۴).
 z- از آن رو که سعادت سرچشمه سلامت است یا از آن رو که زن از شوهرش خوب مواظبت می کند (آیه ۲ متن عبری می گوید: چاق می کند).

a- تحت اللفظی: خوب. منظور مردی است که ازدواج نیکو کرده است.
 b- معنایی که در متن سریانی تأکید شده است. از این مصرع تعابیر گوناگونی به عمل آمده است.

۷ زن بد چون یوغ سنگینی بر گاو است که خوب بسته نشده باشد^c،
هرکس بدو بیوندد مانند کسی است که عقربی به دست گیرد.
۸ زن مست مایه بیزاری عظیم است
و نمی تواند بر ننگ خود^d سرپوش نهد.
۹ وقاحت زن از شوخ چشمی
و از پلکهایش^e شناخته می شود.
۱۰ دختری^f را که سر ناترس دارد سخت حفاظت کن
مبادا تا فرصتی یابد از آن سوء استفاده کند.
۱۱ از دنبال کردن چشم بی حیا حذر کن
و از آن که علیه تو خطا کند تعجب منما.
۱۲ چون مسافری تشنه دهان می گشاید
و از هر آبی که در دسترس باشد می نوشد،
در برابر میخ هر چادر^g می نشیند
و به هر تیری، ترکش خویش را می گشاید.

۱۱:۴۲

تمجید از همسر کامل

۱۳ جاذبه زن، باعث خوشنودی شوهر است
و با لیاقتی که دارد می داند چگونه راحتی او را مهیا کند^h.
۱۴ زن کم حرف، موهبت خداوند است
و هیچ چیز با شخص مؤدب برابری نمی کند.
۱۵ زن باحیا، فیض اندر فیض است
و برای سنجیدن انسانی پرهیزکار، وزنه ای نباشد.
۱۶ برآمدن خورشید در بلندی های آسمانⁱ
بسان زیبایی زن نیکوست در آذین خانه اش.
۱۷ چراغی درخشان بر چراغدانی مقدس^j
چون زیبایی چهره ای بر تنی استوار است.

c- خوب جا نیفتاده باشد. در اثر برهم خوردن و سایش ایجاد زخم می کند و مانع از کشیدن به طور مؤثر می شود.

d- یعنی بر پرهنگی و عربیانی خود (ر.ک. حزق ۱۶:۸). گفته شده است که مستی به زنا منجر می شود.

e- پلک های آرایش شده (ر.ک. ار.ک. ۳۰:۴۰؛ حزق ۲۳:۴۰) یا غمزه و چشمک زدن (امت ۶:۲۵).

f- طبق کاربرد سامی این واژه، ممکن است منظور زن هم باشد.

g- تحت اللفظی: در برابر در هر چادر می نشیند. این آیه حاکی از واقع گرایی است.

h- تحت اللفظی: استخوان هایش را چرب کند (ر.ک. امت ۳۰ و متن عبری آیه ۲).

i- ترجمه از عبری و سریانی الهام گرفته. تحت اللفظی متن یونانی: بلندی های خداوند (ر.ک. ۹:۴۳).

j- اشاره به چلچراغ (شمعدان) طلائی معبد (۱- مک ۱:۲۱؛ ۴:۴۹-۵۰). این آیه و آیه بعدی ممکن است که هم از

خروج ۲۵:۳۱-۳۹؛ ۲۶:۳۲ و هم از غزل ۵:۱۵ نیز الهام پذیرفته باشد.

۱۸ ستون زر بر پایه ای سیمین ،
 بسان ساق های کشیده بر پاشنه های استوار است.^k

موقعیت مصیبت بار

۲۸ دو چیز است که قلب مرا اندوهگین می سازد
 و سومین، مرا به خشم می آورد:
 مرد جنگی^۱ در فشار نداری،
 مردان هوشمند که به خواری رانده می شوند،
 و آن کس که از عدالت رو به گناه می آورد:
 خداوند تقدیر وی را در نابودی با شمشیر رقم می زند.^m

خطرات تجارت

۲۹ تاجر به سختی از خطا حذر می کندⁿ
 و بازرگان مقروض بری از گناه نیست.
 ۱ بسیاری به عشق سود، گناه می کنند
 ۲ هر که در طلب ثروت است، چشمانش را می بندد^o.
 همان گونه که میخ لای شکاف سنگ ها فرو می رود
 در خرید و فروش نیز گناه سر می زند.^p
 ۳ هر که در بند ترس از خدا نباشد
 خیلی زود خانه اش ویران خواهد شد.

k-اصالت آیات ۱۹-۲۷ مذکور در متن سریانی و برخی نسخ یونانی محل بحث است: ۱۹ پسر، سلامت خود را در عنفوان جوانی حفظ کن و توان خود را صرف بیگانگان ننما. ۲۰ پس از جستجو در تمام زمین، دانه خود را در نیکوترین قطعه بیفشان و به تبار شریف خود اعتماد کن. ۲۱ این چنین، نسل هائی که پس از خود باقی می گذاری می توانند به شرافت خود بیابند. ۲۲ زنی را که پول بدهی چون خلط [دهان] می ماند، زنی که ازدواج کرده باشد چون دژی است که متجاوز را در هم می شکند. ۲۳ زن فاسد سهم گناهکاران است اما زن پرهیزکار از آن کسی است که از خدا می ترسد. ۲۴ زن بی شرم زندگی را در بی آبرویی می گذراند اما زن باحیا حتی با شوهر خود، خویشتن دار است. ۲۵ زن وقیح به مانند سگ است اما زنی که حیا دارد از خدا می ترسد. ۲۷ زن داد و فریاد کن و پر حرف چون شیبوری می ماند که دشمن را فراری می دهد. جان شوهرش زندگی را در همه جنگ خواهد گذراند.

l-سریانی: مرد ثروتمند. این روایت به خاطر توازی مطالب مناسب تر است. متن عبری دارای اصطلاح با معنای «مرد قوی، جنگجو» یا «مرد ثروتمند» است.

m-تحت اللفظی: خداوند وی را برای شمشیر آماده می سازد.

n-نویسنده در اینجا مستقیماً به ناسازگاری هائی نظر دارد که فرد تاجر ممکن است به آسانی دچار آن ها شود. اما علاوه بر خطرهای تقلب و حرص مال، لازمه تجارت تماس با مشرکان است که کار را به معامله های دور از قید و شرطی می کشاند که با اصول و اهداف انسان حکیم یعنی بررسی تورات بیگانه است. بن سیراخ (۳۸:۲۵-۳۴) درست مانند ربی های متأخر (گفتار پدران ۲:۶؛ اروییم ۵۵ ب)، مطلقاً احترامی برای تجارت و داد و ستد قائل نیست.

o-از ترس خدا (آیه ۳) یا برای توسل به همه وسایل جمع آوری پول، از آنچه شریف و درست است (ر.ک. اصطلاح «اعمال مشکوک») یا به روی نیازهای فقرا (ر.ک. ۴:۵؛ امث ۲۸:۲۷) چشمانش را می بندد.

p-حدس و گمان. متن یونانی: سائیده می شود. اصطلاح خودمانی: گیر می کند. متوقف می شود (؟)

سخن انسان را آشکار می کند

- ۴ وقتی الک را می گردانند خاشاک باقی می ماند،
 ته مانده های آدمی در گفتارش نیز هم چنین است.
 ۵ همچنان که کوره ظروف کوزه گر را می آزماید
 آزمایش آدمی نیز در گفتارهای اوست.
 ۶ میوه درخت نشان دهنده کشتزاری است که درخت در آن است،
 همچنین سخن برای احساسات قلبی انسان.
 ۷ هیچ کس را پیش از آن که سخن گفته باشد ستایش مکن،
 زیرا انسان در آنجا محک زده می شود.

مت ۱۶:۷-۲۰:
 ۱۲:۳۳-۳۷:
 لو ۴۳:۶-۴۵:

عدالت

- ۸ اگر عدالت را بجویی، به آن خواهی رسید
 و آن را چون ردای افتخار در بر خواهی کرد.
 ۹ پیرندگان در کنار هموعان خود لانه می کنند،
 و حقیقت^q به سوی کسانی می آید که آن را به کار می بندند.
 ۱۰ شیر در کمین طعمه خویش است،
 و گناه در کمین کسانی که ظلم می کنند.
 ۱۱ گفتار مرد پرهیزکار^t همواره حکمت است،
 اما تهی مغز چون ماه در حال تغییر.
 ۱۲ در میان خردمندان فرصت را غنیمت دان،
 و در میان اندیشمندان تأمل کن.
 ۱۳ صحبت احقران نفرت انگیز است،
 و خنده آنان آلوده به گناه و شهوت^s.
 ۱۴ زبان دشنام گو موها را به تن راست می کند^t،
 و به هنگام نزاعشان گوش ها را می بندند.
 ۱۵ نزاع متکبران خون جاری می سازد
 و شنیدن دشنام هایشان سخت است.

q- به معنای عدالت و راستی. صداقت و شرافت به سود کسانی می گردد که به آن ها پیوسته اند. منظور از ظلم (آیه ۱۰) دروغ و کذب است.

t- در سریانی و بسیاری از نسخ یونانی: مرد حکیم، خردمند. چنین فردی در گفتار خود به حکمتی دائم شهادت می دهد.

s- تحت اللفظی: فسق و فجور گناه (ر.ک. ۵:۲۱).

t- مردمان پرهیزکاری که آن ها را می شنوند مو بر تنشان راست می شود.

اسرار

- ۱۶ هر که پرده از راز بردارد، اعتماد را بر باد می دهد،
و دیگر دوستی به دلخواه خویش^u نمی یابد.
۲۲:۲۲
- ۱۷ دوستت را مهربانی کن و به وی وفادار باش
اما اگر پرده از رازش برداری به دنبالش نرو.
۱۸ در واقع، همان گونه که مرد شخصی را که کشته نابود کرده است^v،
این چنین تو نیز دوستی ممنوعت را بر باد داده ای.
۱۹ درست مثل آن که گذاشته ای پرنده ای از دستت بپرد،
این چنین گذاشته ای ممنوعت برود، دیگر وی را نمی توانی به دست آوری.
۲۰ به تعقیب وی بر میا، زیرا وی بسی دور است،
او چون غزالی از دام فرار کرده است.
۲۱ جراحی را می توان بست
و پس از دشنام، آشتی فرا می رسد
اما آن که پرده از راز برگرفته هیچ امیدی ندارد.

ریاکاری و دورویی

- ۲۲ هر که چشمک می زند، شر می بافد
و هیچ کس را از آن گریزی نیست^w.
۱۹:۳۵ مز
۱۵:۶-۱۲ امت
- ۲۳ در نظر تو زبانش جز شیرینی ندارد
و در برابر سخنان تو به خلسه فرومی رود،
اما بعد زبان می گرداند
و از سخنان تو دامی می گسترده^x.
۱۶:۱۲
- ۲۴ از چه بسیار چیزها متفترم اما نه تا به آن حد که از او،
خداوند نیز از وی بیزار است^y.
۲۵ هر که سنگی به هوا پرتاب کند، بر سر خود اندازد
و ضربه خائنه بازگرداننده جراحات است^z.
۲۲:۲۲

u- تحت اللفظی: برای جان خود. دوستی که مانند خود او باشد (تث:۱۳:۷)، کسی که می خواهد چون وی باشد.
v- ترجمه دیگر: کسی را که کشته، از دست داده است. همه نسخ یونانی به استثنای یک نسخه: که دشمن خود را نابود کرده است. سریانی: که سهم الارث خود را از دست داده است. معلوم نیست منظور اصلی چیست. شاید بیشتر منظور جدائی قطعی و فقدانی غیر قابل جبران باشد.
w- بسیاری از نسخ یونانی: هیچ کس نمی تواند آن را برگرداند.
x- سخنان تو را از معنای خود منحرف می کند و نیت بدخواهانه به آن ها می افزاید. این گونه نیز می توان معنا کرد: از سخنان خودت برای تئیدن دامی استفاده می کنند؛ یا به عبارت بهتر (با وارونه کردن ستایش های بازگو شده در حضور شخص ذی بفع): سخنان تو را از اعتبار ساقط می گرداند.
y- نسخه سریانی می افزاید (احتمالاً با دلیل، زیرا مصرع خیلی کوتاه است): و نفرین خواهد کرد.
z- تحت اللفظی: ضربه خائنه به خود ضارب نیز صدمه می زند. ایده *némésis* یا عدالت ذاتی که آثار بدی به بدخواه و بدکار برمی گردد، به خصوص در کتب شعری بیان شده است (مز:۱۶-۱۷، ۷:۵۷، امت:۲۶:۲۷، جا:۱۰:۸).

۲۶ هر که چاه کند، بدان افتد ،
 و هر که دام گسترد، در آن گرفتار شود. مز:۷:۱۶
 ۲۷ هر که بدی کند، بدی به وی بازمی‌گردد،
 بدون آنکه حتی بدانند از کجا به او رسیده است.
 ۲۸ شوخی نیش‌دار و توهین، کار متکبر است،
 اما عقوبت چون شیری در کمین.
 ۲۹ آنان که از سقوط پرهیزکاران شادی می‌کنند به دام می‌افتند ،
 و پیش از مرگ اندوه آنان را می‌بلعد^a.

عفو

۳۰ چشم و کینه کراهت است ،
 و مرد گناهکار در آن استاد می‌باشد.
 ۱ آن که انتقام می‌کشد، انتقام خدا را خواهد چشید
 و برای هر یک از گناهانش به سختی حساب پس خواهد داد. ۲۸
 ۲ از خطاهای هم‌نوع درگذر،
 آنگاه وقتی نیایش کنی، گناهانت از بین خواهد رفت.
 ۳ اگر مردی علیه مردی دیگر خشم را ذخیره کند
 چگونه از خدا طلب شفا دارد^b؟
 ۴ انسانی که نسبت به هم‌نوعش هیچ رحمی ندارد
 چگونه برای گناهانش استغاثه می‌کند؟
 ۵ وی که تنی بیش نیست^c، کینه نگاه می‌دارد
 پس چه کسی گناهانش را خواهد بخشید؟
 ۶ آخرت موعود را به یادآور و نفرت و فساد و مرگ را ترک کن،
 و احکام را نگاه دار. :۳۶:۷
 ۲۰:۳۸
 ۷ احکام را به یاد آور^d و به هم‌نوع کینه موز،
 و نیز به پیمان باری تعالی، و از گناه منصرف شو.

نزاع‌ها

۸ از نزاع دوری کن و کمتر گناه خواهی کرد،
 زیرا انسان خشمگین آتش نزاع را تیزتر می‌کند.

a- چشم انداز پاداش و سزای دنیوی در مسیر اندیشه‌های سنتی (ر.ک. ابوب:۲۱:۲۰-۲۱).
 b- یعنی درمان معنوی و روحانی از طریق عفو الهی. باید به ارتقاء اخلاقی این آموزه که از الزامات عهدجدید است توجه نمود.
 c- ر.ک. ۳۱:۱۷؛ پید:۳:۶.
 d- ر.ک. لاو:۱۹:۱۷-۱۸.

۹ مرد گناهکار در بین دوستان آشوب به پا می کند
و جایی که تفاهم برقرار است^e نفاق می پراکند.
۱۰ آتش به تناسب خوراکش شعله ور می شود
و نزاع برابر میزان لجاجتش دامنه می یابد.
خشم مرد به تناسب میزان نیروی اوست^f
و خشم وی به اندازه دولتش برانگیخته می شود.
۱۱ ناسازگاری بی مقدمه آتش می افروزد^g
و نزاعی که ناگهان در گیرد خون جاری می کند.
۱۲ اگر بر جرقه ای بدمی، شعله ور می شود
و اگر بر آن آب دهان افکنی خاموش می گردد،
و هر دو از دهان بیرون می آیند^h.

امت ۲۰:۲۱-۲۱

۲۴:۲۲
۱۵:۲۷

زبان بد

۱۳ خیرچین و فریبکارⁱ را لعن کن!
چه بسیار اشخاصی را که در آرامش می زیستند از بین برده اند.
۱۴ زبان سه گانه^j اشخاص بسیاری را لرزانده،
آن ها را از ملتی به ملتی پراکنده ساخته
و شهرهای مستحکم را ویران
و خانه های بزرگان را سرنگون کرده.
۱۵ زبان سه گانه زنان شجاع را رانده
و ایشان را از ثمره دست رنج شان محروم کرده است.
۱۶ هر که به آن گوش فرادهد دیگر آرامش نیابد^k
و نتواند در صلح به سر برد.
۱۷ ضربه تازیانه باعث خون مردگی می شود،
اما ضربه زبان استخوان را در هم می شکند

بع ۱:۳-۱۲

e- تحت اللفظی: در میان اشخاصی که در صلح به سر می برند.

f- مرد قوی و ثروتمند می تواند دست به مناظره های شدید بزند و بدون ترس از عقوبت، راه افراط در پیش گیرد.

g- سریانی: صمغ و قیر آتش می افروزند. بنا به پیشنهاد عده ای دیگر: جرقه ای ناگهانی می تواند موجب آتش افروزی شود.

h- این امر مربوط به حسن نیت یا سوء نیت هر کسی است که موجبات تشدید یا تسکین اختلاف را فراهم آورد.

i- تحت اللفظی: دو زبان.

j- تحت اللفظی: زبان سوم یعنی کسی که تخم نفاق بین دو یار، دو دوست می پاشد. در اصل عبری به معنای توطئه است. طبق

تلمود (آراکین ۱۵ ب) چنین فردی «سه تن را می کشد». کسی که مورد توطئه قرار گرفته، خود توطئه گر و کسی که بدان

اعتماد کرده است. در ابتدا، اصطلاحات «دو زبان» و «سه زبان» در زبان عامیانه از مشخصات مار بوده است. از لحاظ معنا

می توان آن را با اصطلاح: «زبان افعی» = «شخص بدخواه و بد طینت» مقایسه نمود.

k- پیش از همه شوهر.

- ۱۸ چه بسیاری به زیر لبه تیغ افتاده اند،
 اما از آنانی که زیر زخم زبان افتاده اند کمتر هستند.
- ۱۹ خوشا به حال کسی که از آن ایمن است،
 و هرگز پیرامون خشم آن نگشته،
 و یوغ آن را برگردن ننهاد
 و به زنجیرهایش، به بند کشیده نشده است.
- ۲۰ زیرا یوغش از آهن است
 و زنجیرهایش، مفرغین.
- ۲۱ مرگ ناگهانی و هاویه بهتر از آن است.
- ۲۲ آن مرگ بر پرهیزکاران سلطه ندارد
 و در شعله هایش سوخته نخواهند شد.
- ۲۳ آنانی که خدا را ترک می گویند به زیر ضرباتش می افتند،
 در آن خواهند سوخت^l و خاموشی نخواهد داشت،
 و چون شبیری بر آن ها می افتد
 و چون پلنگی با ایشان بدرفتاری خواهد کرد.
- ۲۴ بنگر، ملک خویش^m را به خارها محصور کن،
 و زر و سیم خود را محکم نگاه دار^o.
- ۲۵ برای سخنان خویش وزنه و ترازو در نظر گیرⁿ.
 و برای دهانت، در و قفل تعبیه کن^p.
- ۲۶ مراقب باش مبدا از آن لغزش یابی،
 و در برابر آن که در کمین است زمین خوری.

۲۵:۲۱

۲۲:۲۷

وام^q

مز ۳۷:۲۱-۲۶

- ۱ هر که به همسایه خویش وام دهد رحمت را به جا می آورد،
 و هر که همسایه خود را کمک نماید^r احکام را رعایت می کند.
 ۲ به هنگام نیاز به همساعت وام بده،
 و تو نیز به هنگام درخواست همساعت، به وی باز پس ده.

۲۹

- l- یا: طعمه آتش می گردند.
 m- در سریانی دقیقاً آمده است: تاک خود. متن یونانی و عبری را با ۳۶:۳۰ مقایسه کنید.
 n- یا در اصطلاح امروز: حرف هایت را سبک و سنگین کن.
 o- سریانی: پنهان کن یا به زیر مهر و موم بگذار. پیش از این عمل، زر و سیم را توزین می کنند که در بخش دوم آیه آمده است.
 p- زیگلر و برخی از نویسندگان دیگر جا به جایی در این آیات را پیشنهاد کرده اند.
 q- در اینجا موضوع وام و بهره مطرح نیست بلکه تعهدات مربوط به دادن وام طبق تورات (خروج ۲۲:۲۴؛ لاو ۲۵:۳۵-۳۶؛ تث ۱۵:۷-۱۱). در برابر عدم اطمینان به چنین عملی، برخی از انجام آن طفره می روند بدون آن که فکر کنند که با انجام این احسان به برادری که در تنگدستی است، از جایگاه ممتازی بهره مند خواهد شد.
 r- تحت اللفظی: هر که همساعت خود را با دستاوردش تقویت کند.

۳ روی حرف خود بایست و با وی وفادار باش،
 و به هنگامش آنچه را نیاز داری به دست خواهی آورد.
 ۴ بسیاری وام را غنیمت^s می دانند
 و مزاحم کسانی شده اند که به یاریشان شتافته اند.
 ۵ تا دریافت نکرده اند، دست های هم نوع را به بوسه می پوشانند
 و در برابر ثروت وی به لحنی فروتنانه سخن می گویند^t،
 اما به هنگام پس دادن طول می دهند
 و با سخنان غم انگیز ادای دین می کنند
 و زمانه^u را متهم می سازند.
 ۶ اگر بتواند آن را باز پس دهد، وام دهنده به زحمت نصف آن را دریافت می دارد
 و آن را خوش اقبالی^v خود می انگارد.
 اگر نه از پول خویش محروم شده
 به رایگان برای خود دشمن تراشیده باشد
 که وام را به نفرین و دشنام باز پس می دهد
 و به جای احترام، خفت نثارش نمی کند.
 ۷ بسیاری از وام دادن پرهیز می کنند البته نه از روی بدخواهی^w،
 بلکه مبادا به رایگان، محروم شوند.

صدقه

۸ با وجود این با فقیر صبور باش،
 و برای دادن صدقه، او را خیلی در انتظار مگذار^x.
 ۹ به خاطر احکام^l به یاری درماندگان بشتاب
 و چون احتیاج دارند آن ها را دست خالی روانه مکن.
 ۱۰ پولت را به خاطر دوست یا برادر گم کن،
 که حتی به زیر سنگی که کاملاً گم شده نیز زنگ نمی زند.

مت ۶: ۱۹-۲۰:
 بع ۵: ۳

- s- تحت اللفظی: چون گنج بادآورده که در غم باز پس دادن آن نباشند. سریانی: چه بسیار بدهکار که در طلب وام است.
 t- سریانی: صدا را بلند می کنند. آیا برای بیان نوعی حق، زیرا کسی که دولت مند است وظیفه دارد وام بدهد: یا برای ابراز و وعده در امانت و پس دادن آن؟ آنچه مسلم است این که به وام گیرنده بعداً تفهیم می شود که اظهاراتش مهم بوده و هر نوع بهانه ای را می توان پیش کشید.
 u- یا به بیان بهتر: قرار دادن مهلت بسیار کوتاه. سریانی: و استرداد پس از مهلت طولانی.
 v- تحت اللفظی: چون یافتن شیئی اتفاقی (ر.ک. آیه ۴)، به دست آوردن ثروت غیر منتظره.
 w- بسیاری از نسخ یونانی از روی متن سریانی چنین آورده اند: به علت چنین رفتار بدی، چه بسیار... از جمله برداشت های گوناگون از یک متن عبری که درست تفهیم نشده می توان این باشد: چه بسیار کسانی که به هم نوع خود وام نمی دهند.
 x- ر.ک. ۳: ۳۰-۴: ۵. علی رغم تجاهلی که برخی برای از دست ندادن پول خود و حفظ آن به علل مذکور در فوق به عمل می آورند، دلایل برتری برای سخاوتمندی انسان وجود دارد.
 y- ر.ک. تث ۱۵: ۷-۱۱.

- ۱۱ گنجینه خویش را برابر احکام باری تعالی در اختیار بگذار^z
و بیش از زر تو را سود رساند.
۱۲ در انبارهای خود صدقه انبار کن^a،
اوست که تو را از همه بدی‌ها در امان نگاه می‌دارد.
۱۳ بهتر از سپر، بهتر از نیزه‌ای تیز
در برابر دشمن برای تو خواهد جنگید.

ضمانت^b

- ۱۳:۸ ۱۴ مرد نیکو برای هم‌نوعش ضمانت باشد،
اما آن که تن به ننگ داده وی را از دست می‌دهد^c.
۱۴ نیکی‌های ضامن خویش را فراموش مکن
زیرا زندگانی‌ش را برای تو داده است.
۱۶ گناهکار نیکی‌های ضامن خویش را به دور می‌ریزد
۱۷ و با قلبی حق ناشناس^d منجی خود را ترک می‌کند.
۱۸ ضمانت چه بسیار افراد متنعم^e را بر باد داده
و آن‌ها را چون موج دریا بالا افکنده است.
اشخاص قدرتمند را به تبعید فرستاده
که در بین ملت‌های بیگانه به سرگردانی افتاده‌اند.
۱۹ گناهکاری که ضمانت می‌کند
و در صدد سود است، برای خود محکومیت^f فراهم می‌آورد.
۲۰ در حد امکانات خویش به یاری هم‌نوع خود شتاب کن^g
و مراقب باش مبادا خود را به ورطه سقوط بیفکني.

z- به علت آیه بعدی و اشارات قبلی به احکام، متن سریانی به نظر به اصل مطلب و متن نزدیک تر می‌آید: گنجی برای احسان و محبت کنار بگذار. مسیح نیز به حسن اطمینان بخش سرمایه‌گذاری به منظور زندگی آتی و باقی اشاره می‌نماید (لو ۱۲:۳۳؛ ۱۶:۹). همین آموزه در تلمود هم وجود دارد در اینجا موضوع هنوز به قدر کافی بسط نیافته و فقط به پاداش و جزای این جهانی اشاره شده است.

- a- ذخیره آینده به منظور وثیقه و ضمانتی علیه بدبختی. ر.ک. طو ۱۴:۴؛ ۹:۴-۱۰.
b- بن سیراخ با منظور داشتن عملی از سر احسان و شفقت، بیشتر از حکمای گذشته (امث ۱۱:۱۵؛ ۱۷:۱۸؛ ۲۰:۱۶؛ ۲۲:۲۶-۲۷) به حفظ برخی احتیاط‌ها نظر مساعد دارد (آیه ۲۰).
c- سریانی: فرار از ضمانت (از زیر بار تعهد شانه خالی کردن).
d- تحت اللفظی: با طبیعتی ناسپاس. با توجه به معادل عبری که بن سیراخ به کار برده منظور حق ناشناسی فکری و سرانجام قلبی است. با توجه به متن سریانی: هر که آفریدگار خود را ترک کند، منجی خود را ترک کرده باشد.
e- اصل واژه به کار رفته می‌تواند هم دال بر اشخاص شرافتمند و هم دارا باشد.
f- تعقیب قضائی، زیرا به موجب تورات ربا حرام است (خروج ۲۲:۲۴؛ لاو ۲۵:۳۶؛ تث ۲۳:۲۰).
g- سریانی: برای هم‌نوع خود ضمانت بگذار.

استقلال خردمند

۲۱ نیازهای اساسی زندگانی آب و نان و جامه است
و سرایی برای نگهداری حریم^h.
۲۲ زندگی فقیر در زیر سرپوشی از کاهگل بهتر است
از زندگی در ناز و نعمت خانه دیگرانⁱ.
۲۳ به کم و زیاد راضی باش،
و نیش بیگانگی را نخواهی چشید^j.
۲۴ چه زندگانی تلخی است از سرایی به سرایی رفتن!
جایی که بیگانه باشی، دهان نتوانی گشود.
۲۵ خواهی خورد و خواهی نوشید ولی از تو کراهت دارند^k
و علاوه بر آن چه بسا سخنان تلخ هم خواهی شنید:
۲۶ «ای بیگانه پیش بیا، سفره را آماده کن
و اگر چیزی دم دست داری برای خوردن به من بده.
۲۷ ای بیگانه گم شو، جایت را به فردی شایسته تر^l واگذار،
برادرم را باید منزل دهم، به خانه نیاز دارم.»
۲۸ برای مرد آگاه سرزنش میزبان^m
و تلخ رویی وام دهنده درد آور است.

۲۶:۳۹

تربیتⁿ

۳۰^۱ هر که پسرش را دوست می دارد وی را از ترکه محروم نکند،
تا سرانجام^o در وی به شادی رسد.
۲ هر که پسرش را تأدیب کند رضایت یابد^p
و در بین خاندان سربلند باشد.

۱۳-۱۳:۲۳
۱۵:۲۹
امت ۲۴:۲۳

h- تحت اللفظی: شرمساری (ر.ک. ۸:۲۶).

i- همین مضمون در لو ۱۹:۱۶ نیز دیده می شود.

j- دعوت به ماندن در خانه و موطن خود در وضعی کمابیش آسوده. برخی در اینجا اشاره به سوداگردانی دارند که به منظور تحصیل سود بیشتر به آسانی جلای وطن می کنند و به صورت طفیلی زندگی خود را به ویژه به فدیة هم کیشان خود با قبول هر نوع خواری و خفت ادامه می دهند.

k- سریانی: تو بیگانه ای بیش نیستی و باید طعم تلخ توهین را بچشی، ر.ک. امت ۲۶:۶.

l- تحت اللفظی: بیرون از حیطه افتخار، ترجمه تحت اللفظی از اصطلاحی همانند تث ۲۰:۲۸ که معنای «به علت» دارد. به علت ورود میهمانی والامقام که باید جا را به او تفویض و تعارف کرد، ر.ک. لو ۱۴:۸-۹.

m- ر.ک. بند ۳۲ این آیه با از سرگیری مضمون آیات ۱-۱۳ به پایان می رسد.

n- عنوان متن یونانی: درباره فرزندان.

o- یعنی در ایام آخر زندگانی.

p- اصل فعلی که به کار رفته به معنای رضای خاطر و شادی است که از فرزندان به اولیاء می رسد. این واژه در کتاب مقدس یونانی فقط در اینجا و نیز در فیل ۲۰ وجود دارد.

- طو ۹: ۶
- ۳ هر که پسرش را ادب کند دشمنش را حسود گرداند ،
و در برابر دوستانش شاد و خرم باشد.
- ۴ اگر پدر درگذرد بدان ماند که درنگذشته باشد ،
زیرا پس از خود کسی را باقی گذاشته که به خودش مانند^q است.
- ۵ هنگامی که زنده است، دیدارش باعث شادمانی است
و به هنگام مرگ، ابداً غمگین نیست.
- ۶ علیه دشمنانش، انتقام گیرنده ای باقی می گذارد ،
و برای دوستانش کسی که نیکویی خواهد کرد.
- ۷ هر که پسرش را نوازش کند بر زخم هایش مرهم نهد^t
و به هر یک از فریادهایش، اندرونش در هم ریزد.
- ۸ اسب رام نگشته، چموش باشد
و پسری که به خود رها شده، گستاخ گردد.
- ۹ پسرت را نازپرورده کن و او اسباب وحشت^s تو خواهد شد ،
با وی بازی کن و او موجب غم تو خواهد بود.
- ۱۰ با وی مخند، از بیم آن که سرانجام دندان ها را بر هم بفشری^t.
- ۱۱^u به هنگام جوانیش، برایش آزادی باقی مگذار^v.
- ۱۲ تا هنگامی که در سنین پایین است دنده هایش را نرم کن،
مبادا با سربچی از تو اطاعت نکنند^w.
- ۱۳ پسرت را ادب کن و به کار بگمار^x
مبادا با گستاخی^l در برابر روی تو بایستد.

سلامتی^z

۱۴ فقیر سالم که بدنی قوی دارد

بهرتر از ثروتمندی است که بدنش در هم لولیده باشد.

- q- مضمون رایج در ادبیات حکمت.
- r- تفسیر این عبارت روشن نیست. منظور یا پسر بچه ای است که پدر گمان می کند باید وی را ملاحظت کند یا جراحاتی که از پسرش به او می رسد یا فرزندی که در بی نظمی و هرج و مرج زندگی می کند.
- s- بدون تردید نامطبوع و ناخوشایند.
- t- تحت اللفظی: یا انگشت حسرت به دندان بگزی. همین فعل در حزق ۱۸: ۲ اما در زمینه ای متفاوت هم آمده است (دندان های پسران کند گردید).
- u- از این آیه یکی از بزرگترین نسخه های عبری شروع می شود. (ب) به صورت کامل تا پایان کتاب.
- v- برخی نسخ یونانی می افزایند: و چشم هایت را بر خطاهای وی میند. در زمانی جوانی دماغش را به خاک بمال.
- w- نسخ یونانی می افزایند: و موجب ناراحتی های بسیار برای تو خواهد شد.
- x- عبری: پسرت را تأدیب کن و یوغش را سنگین نما، مبادا در جهالت خود بر ضد تو برخیزد.
- y- یا: بی شرمی.
- z- نسخ بزرگ یونانی در اینجا دارای عنوان فرعی هستند، چه در مورد انواع خوراکی ها و چه در مورد سلامت. اما برخی آن را قبل از آیه ۱۶ قرار داده اند.

۱۵ سلامتی و تن سالم^a بهتر از همه طلای جهان است
 و تن قوی بهتر از ثروتی سرشار.
 ۱۶ ثروت برتر از سلامت تن نیست
 و تنم برتر از شادی قلب نی.
 ۱۷ مرگ بهتر از زندگانی تلخ است
 و آرامش جاودانی بهتر از بیماری بی انتها.
 ۱۸ چیزهای نیکو در پیرامون دهانی بسته^b
 مانند خوراکی های نهاده در برابر بت^c است.
 ۱۹ هدیه به چه کار بت آید
 که نه می خورد و نه حس می کند^d?
 این چنین است آدمی که خداوند او را عذاب می دهد^e:
 ۲۰ با دیدگانش می بیند و می نالد،
 مانند ناله خواجه ای که دوشیزه ای^f را دربرگرفته است.

نامه ار ۲۶

۴:۲۰

شادی^g

۲۱ رוח را به غم مسپار
 و با افکارت^h خود را به ستوه مياور.
 ۲۲ شادی قلب، زندگی آدمی است
 و خرمی انسان به وی عمر دراز دهد.
 ۲۳ همواره رוח را بیاسایⁱ
 و قلبت را تسلی بخش و غم از تو برود،
 زیرا غم چه بسا افراد را از بین برده است
 و آن را هیچ فایده ای نباشد.

جا ۱۱:۹-۱۰

۱۶:۱۴

a- در نسخ دیگر: جان زنده. در عبری: سلامت را به طلا و روحیه شاد را به مرواریدها ترجیح می دهم.
 b- دهان بسته بیماری که اشتها ندارد.

c- عبری: بمانند هدیه نهاده در برابر بت. واژه بت در عبری، در سریانی و یونانی به معنای سنگ گور درک شده است. متن متکی به واژه عبری است و مترجم یونانی این متن را از محیطی که این عمل کمتر در آنجا رایج بوده اقتباس کرده است.

d- مضمونی آشنا به ذهن در تقبیح بت ها (تث ۴:۲۸؛ مز ۱۱۵:۵، اش ۴۴:۹؛ ۱۰:۵؛ حک ۱۵:۱۵؛ دان ۱۴:۱-۲۲).

e- بیماری که خداوند او را زده، (بیماری نتیجه قهر خدا تلقی می شد) (ر.ک. آیه ۱۴). عبری: این چنین است کسی که ثروت دارد و نمی تواند از آن استفاده کند.

f- متن عبری و بسیاری از نسخ یونانی می افزایند: این چنین است کسی که می خواهد به زور عدالت را برقرار کند. یا به عبارت بهتر: کسی که تحت فشار عدالت را جاری می سازد.

g- به جایگاه شادی در آموزه بن سیراخ توجه کنید. در اینجا توصیه می کند که غم های بیهوده را از خود برانید (ر.ک. مت ۳۴:۶) و نیز احساسات کینه توزانه را که منجر به ایجاد جو اخلاقی مضر برای سلامتی می گردد.

h- یا: با تدابیر پریشان. تحت اللفظی: با تصمیم خود.

i- تحت اللفظی: فریب ده، بفریب. برابر بسیاری از نسخ یونانی: روح خود را بنواز.

۲۴ حسادت و خشم عمر را کوتاه می کند ،
و غم ، پیری زودرس ^l می آورد.
۲۵ دل شاد، اشتهای بسیار دارد^k،
و به خوراکش بسیار دقت می کند.

ثروت

۱ بی خوابی ناشی از ثروت، تن ها را می فرساید^l
و دل نگرانی حاصل از آن، خواب را می زداید.

۳۱

۲ نگرانی معاش^m، آرام را می گیرد
(=۳۴)
چوم بیماری شدید که خواب را [از چشمان] می زداید.
۳ ثروتمند برای جمع کردن اموال می کوشد
و به هنگام استراحت خویش از لذات آن سیراب می گردد.
۴ فقیر رنج می کشد زیرا ساز و برگی ندارد ،
و به هنگام استراحت خود درمانده می شود.
۵ هر که دوستدار زر است مبری نخواهد بود،
و هر که در پی آن باشد سرگردان شود.
۶ چه بسیار به خاطر زر به نابودی افتاده اند
و نیستی شان پیش رویشان آمده استⁿ.
۷ زیرا زر برای کسانی که دیوانه آن هستند تله است^o
و همه نابگردان^p درون آن می افتند.
۸ خوشا به حال ثروتمندی که بی کوشش به دست آورده
و به دنبال زر^q ندویده است!

امت ۲۸:۲۰

۱- تیمو ۶:۹

ج- تمامی نسخ کهن یونانی (که از یک نسخه اولیه سرچشمه می گیرند) در اینجا آیات ۱۶:۳۳-۱۰:۳۶ را قبل از ۲۵:۳۰-۱۶:۳۳ قرار می دهند. متن سریانی و لاتین، نظم قدیمی را حفظ و متن عبری آن را تأیید کرده است. ترتیب این ترجمه مطابق کار ویراستاران جدید متن یونانی است.

k- معنای این آیه زیاد روشن نیست. تحت اللفظی: دل روشن بر خوراکش نیز نظر مساعد دارد. عبری: آرامش دل راضی، جای خوراکی های لذیذ را می گیرد. ر.ک. امت ۱۵:۱۵.

l- تحت اللفظی: از رمق می اندازد.

m- تحت اللفظی: غم های شبانه. معنای این آیه روشن نیست. عبری: غم معاش خواب را از سر می پراند و بیش از بیماری شدید، خواب را می زداید.

n- عبری: قربانیان زر بسیار بوده اند/ و کسانی که امید خود را به مرواریدها بسته اند/ از بدبختی نتوانسته اند بگریزند/ و نه از روز خشم خود را نجات بخشیده اند. به نظر می رسد که بخش دوم تفسیری از یک کاتب گمنام باشد.

o- تحت اللفظی: سنگ لغزش.

p- روایت دیگر از نسخ یونانی و دیگر نسخه ها: کسانی که برای آن قربانی می کنند. عبری: احمق.

q- متون عبری و سریانی در اینجا واژه «مونا» را به کار برده اند که در ترگوم و تلمود مرتباً برای افاده معنای ثروت به طور کلی به کار برده می شود. ر.ک. مت ۲۴:۶؛ لو ۱۶:۹، ۱۱، ۱۳.

۹ کیست که وی را خوشبخت بنامیم؟
 آن که نیکی‌ها به قوم خود کرده باشد.^F
 ۱۰ آن که این تجربه را از سر گذرانده و خود را کامل نشان داده باشد
 وی را موجبی برای افتخار باشد
 که قادر به تخطی بوده و تخطی نکرده
 قادر به بدی بوده اما نکرده است.
 ۱۱ دارایی‌هایش به قوت برقرار ماند^S
 و انجمن، صدقات وی را منتشر^T خواهد کرد.

ضیافت‌ها^U

۱۲ اگر بر سر سفره بزرگی نشینی^V
 حلقومت را بر آن مگشای و مگو:
 «چقدر خوراکی هست!»
 ۱۳ به یادآور که چشم شور داشتن بد است،
 چه چیزی بدتر از چشم آفریده شده است؟
 به همین خاطر است که با هر حرفی به گریه می‌افتد.^W
 ۱۴ به جایی که او می‌نگرد^X دست درازی مکن،
 و با او^Y به بشقاب حمله ور مشو.
 ۱۵ هم‌نوعت را به معیار خود داوری کن
 و در هر عمل اندیشه^Z نما.
 ۱۶ آنچه به تو تعارف شده باشد چون آدمی بخور،

T- متن یونانی حاوی انشائی عبری است (ر.ک. داور ۱۳:۱۹؛ ۲-توا ۲۶:۱۵) که بیانگر اقدامی قابل ملاحظه‌ای است. عبری: در میان قوم خود، که می‌توان به صورت زیر نیز درک کرد: «اشتهایش» طبق نسخه‌ای به زبان عربی و بدین ترتیب معنای آیه چنین خواهد بود: موفق شده که به وجهی قابل توجه اشتهای خود را مهار کند.
 S- تحت اللفظی: اموالش محفوظ خواهد ماند.

t- عبری: تمجید و ستایش. همین اصطلاح در ۱۵:۴۴ نیز آمده و متن یونانی بر آن تأکید دارد. در اینجا متوجه اشاره‌ای به شیوه اعلام نیکوکاران در کنیسه و تداوم بخشیدن آن‌ها با ثبت اسامی می‌شویم.

U- متن عبری دارای این عنوان است: آموزش‌هایی در مورد خوراک و شراب. آیات زیر این عنوان حاوی چکیده‌ای از دستور العمل آداب مدنی بن سیراخ است.

V- ترجمه دیگر از متن عبری: پسر، اگر بر سفره مرد بزرگی نشینی، ر.ک. امت ۲۳:۱.

W- یا از حرص برق می‌زند یا از آنجا که چشم سرچشمه گناه است (ر.ک. اعد ۱۵:۳۹ ایوب ۳۱:۷) به هنگام عقوبت و تنبیه می‌گرید. عبری: خدا چیزی بدتر از چشم نیافریده است، زیرا در برابر همه به هیجان می‌آید. هوی و هوس از راه چشم تحریک می‌شوند و در چشم منعکس می‌گردند.

X- عبری و نسخ یونانی: جایی که وی (= میزبان تو) می‌نگرد.

Y- تحت اللفظی: با همسایه‌ات، با بغل دستی خود.

Z- عبری: همسایه‌ات را چون خودت نگاه کن و به هر چیزی اندیشه کن (ر.ک. طو ۴:۱۵).

و فک های خود را به صدا درمیاور تا تو را منفور نسازد.
 ۱۷ به ادبی نیکو، نخست درنگ کن
 و از بیم آن که حیرت برانگیزی^a، سیری ناپذیر مباش.
 ۱۸ اگر در میان جمعی کنیتر نشسته ای،
 پیش از دیگران دست دراز مکن.
 ۱۹ چون برای شخص مؤدب اندک بس باشد،
 و این چنین در بسترش به نفس نفس نیفتد.
 ۲۰ معده کم خوراک، خواب سالم دارد^b
 بامدادان برخاسته روحیه اش میزان است.^c
 رنج بی خوابی و استفراغ و قولنج،
 این است نصیب مرد سیری ناپذیر.
 ۲۱ اگر تو را وادار به خوردن کرده باشند
 برخاسته، دورتر برو و استفراغ کن و آرام خواهی گرفت.^d
 ۲۲ ای فرزندی، به من گوش فرا دار و از من مگریز،
 و سرانجام به سخنان من خواهی رسید.
 در تمامی اعمال خود را مراقب نشان ده
 و هیچ گزندی به تو نخواهد رسید.
 ۲۳ میزبان گراتقدر^e را همه به دعای خیر یاد می کنند
 و به شکوه وی شهادت می دهند.
 ۲۴ علیه میزبان خسیس شهری به زمزمه است
 و به خست وی شهادت می دهند.

۳۰:۳۷

شراب

۲۵ با شراب غرّه مشو،

استر ۵: ۲۲

زیرا شراب چه بسیاری را بر باد داده است.^f
 ۲۶ همان گونه که فولاد در کوره آبدیده می شود^g
 این چنین است شراب برای قلب های درگیر تکبر.

a- از ترس لغزش.

b- تحت اللفظی: کسی که معده اش به اندازه جا دارد، خواب نوشینی دارد.

c- تحت اللفظی: روحش با وی است.

d- توصیه عملی در مورد وضعیتی ناگوار. رسم معروف رومی ها که استفراغ می کردند تا باز بتوانند بیشتر بخورند با این حالت کاملاً متفاوت است.

e- تحت اللفظی: آن کس که به نان سخاوتمند است.

f- درباره مضرات شراب ر.ک. امت ۲۰: ۱؛ ۲۱: ۱۷؛ ۲۳: ۲۰-۲۱، ۲۹-۳۵؛ ۳۱: ۴-۵.

g- عبری: کوره آتش، کار آهنگر را ثابت می کند.

۲۷ شراب برای آدمی چون زندگی است
 به شرط آن که آن را به اعتدال بنوشی.
 زندگی را چه ارزشی است اگر در آن شراب نباشد؟
 زیرا شراب در آغاز^h برای شادی انسان به وجود آمده است.
 ۲۸ شرابی که به موقع و به اندازه نوشیده شود
 آرام دل و شادی روح است.
 ۲۹ شراب که زیاد نوشیده شود،
 خواه به قصد مبارزه جوئی یا به قصد تحریکⁱ باعث تلخی روح است.
 ۳۰ مستی، خشم نابخرد را تا به رسوایی می کشاند^j
 و کاهنده نیرو و موجب جراحات است.
 ۳۱ به هنگام باده نوشی، همسایه ات را ملامت مکن
 و وی را به هنگام سرمستی اش خوار مدار،
 به وی سخنان درشت مگوی
 و با افشاگری مزاحم وی مشو.

۲۰:۴۰

در ضیافت چگونه باید رفتار کرد

۳۲^۱ اگر تو را بر صدر نشانند^k خود را مگیر،
 در میان دیگران چون آنان باش،
 به مراقبت ایشان بپرداز و سپس بنشین.
 (=۳۵)^۲ همین که به کارهای خود پرداختی، بر سر خوان بنشین
 تا به خاطر شادی از رضایت آنان
 و برای شایستگی رفتارت^m مزین شوی^l.
 ۳ ای پیر، سخن بگوی که این تو را شایسته باشد،
 به درستی از آنچه می دانی تکلم نما ولی مانع ساز و آوازⁿ مشو.

-h در آغاز: نسخه تصحیح شده از متون عبری و لاتین، ر.ک. داور: ۹:۱۳؛ مز: ۱۰۴:۱۵؛ جا: ۱۰:۱۹.

-i یا: برای شادی و سرمستی. عبری: سردرد، تلخی و شرمساری/ شرابی است که با نزاع و خشم بنوشند.

-j عبری: شراب فراوان برای احمق دام است.

-k برخی نسخ یونانی دارای این عنوان فرعی هستند: در باب صدر نشینی. در فلسطین به تقلید از یونانیان و رومیان رسم شده بود که اشخاص مرفه ضیافت هائی ترتیب می دادند که اهمیت وافری در آن به آداب و رسوم داده می شد. برای این منظور فردی را به صدر نشینی انتخاب می کردند (ر.ک. ۲-مک: ۲:۲۷؛ یو: ۸:۲) که مسئول برگزاری جلسه مبهمانی به نحو احسن بود ربی های یهود به چنین مراسمی شدیداً اعتراض داشتند. بن سیراخ در اینجا به یادآوری برخی نکات شایسته در این باره بسنده می کند.

-l در این باره ر.ک. اش: ۲۸:۱؛ حک: ۲:۸.

-m یا: به خاطر ترتیبات مناسب. یا: برابر رسم پسندیده. ر.ک. متن عبری همین آیه و ۱۷:۳۱.

-n عبری. سرود و آواز. واژه یونانی هم به معنای آواز و هم موسیقی است.

- ۴ به هنگام شنیدن [ساز و آواز] درگیر مباحثه مشو
و بی هنگام نقش حکیم به خود مگیر.
- ۵ نگیینی از یاقوت سرخ بر زیوری زرین
چون ساز و آواز است در حلقه باده نوشان.
- ۶ نگیین زمرد بر پایه ای زرین،
بسان نوای دلنشین در لطافت شراب است.
- ۷ ای مرد جوان، چون از تو بخواهند سخن بگو،
اگر بیش از دوبار از تو خواسته شود^o.
- ۸ سخنت را کوتاه کن، کم گوی و گزیده گوی،
چون کسی باش که بسیار می داند اما نیز می داند چگونه سکوت کند.
- ۹ در میان بزرگان، خود را همانند ایشان مگردان
و اگر پیری^p به حرف درآید، در سخن بردبار باش
- ۱۰ آذرخش بر تندر پیشی گیرد^q،
همان گونه که احترام پیش از شخص متواضع وارد می شود^t.
- ۱۱ به موقع برخیز و کش مده،
به سوی خانه شو و پرسه مزن.
- ۱۲ در آنجا سرگرم شو و آنچه دوست داری انجام ده،
اما نه با ادعاهای متکبرانه^s که گناه است.
- ۱۳ به خاطر همه این ها آفریننده خود را متبارک بخوان
که تو را به نیکی ها شادمان کرده است.

۱۴:۷

بخش د

۲۰-۱۱:۱ بیم از خدا

۱۴ هر که از خداوند بترسد تعلیم یابد
و کسانی که از بامدادان در طلب وی باشند، لطف^t وی شامل حالشان گردد.

- o- با رجوع به متن عبری معنای این آیه چنین است: و فقط پس از دوباره خواهش کردن.
p- در نسخ یونانی: اگر دیگری حرف بزند. عبری: در میان پیران برنخیزد (برای صحبت کردن) و با شاهزادگان به بحث تند میرداز.
- q- عبری: پیش از تگرگ رعد و برق می زند.
r- اکرام و خیرخواهی به گفتار اشخاص ممتاز حاصل شده است.
s- تحت اللفظی: با سخنان مغرورانه.
- t- عبری: جواب. طبق متن عبری در این آیه و آیه بعدی همین فعل سه بار صرف می شود (darash به معنای طلبیدن و جستجو کردن) و به مفهوم دقیق تر یعنی طلبیدن و جستجوی خدا یا اراده الهی و تحقیق در تورات: جنبه های معین و ملموس ترس خدا (آیه ۱۶). جستجوی خدا در نخستین آیه مقررات جامعه قمران که در آن اهمیت زیادی به «تحقیق کنندگان در تورات» داده می شد نوشته شده است.

۱۵ هر که در پی تورات باشد، از آن سیراب شود،

اما هر که از آن تخطی نماید سقوط کند.

۱۶ کسانی که از خدا می ترسند به شناخت حقیقت نائل شوند^u،

مت ۱۶:۵

و اعمال نیکویشان چون نوری بدرخشد.

۱۷ مرد گناهکار سرزنش را مردود شمارد

و برای نحوه اعمالش بهانه ها بتراشد^v.

۱۸ مرد صاحب رأی، از اندیشه روی برتابد،

بی دین^w و متکبر از هیچ نهراسند و تأمل نکنند.

۱۹ بدون اندیشه هیچ کاری مکن

و از کردار خویش نادم نخواهی شد^x.

۲۰ در راه سنگلاخی راه مرو،

مز ۱۲:۹۱

تا پایت به سنگ نگیرد^y.

۲۱ به راه همواره اعتماد مکن،

۲۲ و از فرزندان برحذر باش^z.

۲۳ به هر چه می کنی به خودت ایمان داشته باش^a،

زیرا این است مراعات احکام.

۲۴ هر که به تورات تکیه کند به احکام توجه دارد،

و هر که به خداوند اعتماد کند هیچ خطری وی را فرا نرسد.

۱ هر که از خدا بترسد گزندی وی را نرسد

۳۳

و در هر تجربه ای محفوظ ماند.

۲ مرد حکیم از تورات نفرت ندارد،

اما هر که نسبت به آن تقلب کند مانند کشتی در طوفان باشد^b. (=۳۶)

۳ مرد خردمند به سخن^c اعتماد دارد

و تورات برای او مانند هاتف «اوریم»^d شایسته ایمان است.

ایوب ۱۹:۵
مز ۹۱

u- ر.ک. امث ۲۸:۵. در سال ۱۹۳۱، نسخه دومی از متن عبری آیات ۱۶:۳۲-۱۶:۳۴ منتشر گردید. برخی با توجه به این آیه

اشاره به فانوس دریائی معروف اسکندریه را می بینند (ر.ک. ۳۲:۲۴).

v- عبری: قانون را به دنبال هوی و هوس نیازهایش می کشاند، یعنی به نحو دلخواه و مطلوب خود تفسیر می کند.

w- طبق نسخه عبری: بی دین. یونانی: بیگانه.

x- یا: و به هنگام عمل تو تغییر عقیده نمی دهند.

y- واژه ای که در همه نسخ یونانی هست برداشت اشتباهی از واژه موجود در نسخه عبری و سریانی است: دو بار علیه سنگ.

z- حتی در اعتماد بسیار موجه نیز ممکن است اشتباه روی دهد. عبری: مراقب جائی که پایت را می گذاری باش.

a- یا: به خودت مطمئن نباش. عبری: از خودت برحذر باش. ر.ک. امث ۱۹:۱۶.

b- اشاره احتمالی به جریانات نفوذ فرهنگ یونانی در یهودیت آن دوران که ایده های مربوط به آن می بایست طبق معیارهای

وفاداری سنتی به تورات مورد داوری قرار می گرفت. در مورد تصویر طوفان ر.ک. یع ۱:۶، چهارم عزرا ۱۲:۴۲؛

اول خنوخ ۱۰۱:۴.

c- در بسیاری از نسخ یونانی: تورات. عبری: سخن خداوند.

d- تحت اللفظی: مشورت پیشگو. منظور پیشگویی به مدد اوریم و تومیم است (لاو ۸:۸، اعد ۲۷:۲۱، ۱- سمو ۱۴:۴۱).

۴ اگر می خواهی به تو گوش دهند گفتارت را آماده کن،
دانش خویش را گرد آور و آنگاه پاسخ ده.^۴
۵ احساسات احمق چون چرخ ارا به است
و استدلالش مانند محوری که می چرخد.
۶ دوست استهزاء کننده چون اسب نراست
که به زیر هر سواری شیبه می کشد.

نابرابری شرایط

۷ چرا روزی از روز دیگر مهم تر است،
در حالی که روشنائی تمام روزهای سال از خورشید است؟
۸ این از دانش^f خداوند است که متمایز شده اند
و اوست که فصل ها و جشن ها را از هم جدا کرده.
۹ برخی را برکشیده و تقدیس نموده
و بقیه را در شمار روزهای عادی باقی گذاشته است.
۱۰ انسان ها از خاک برآمده اند
و آدم از خاک آفریده شد.
۱۱ خدا در حکمت عظیم خود آن ها را متمایز کرده
و آن ها را واداشته به راه های متفاوت برونند.^g
۱۲ از میان آن ها برخی را برکت داده و برکشیده است،
و برخی دیگر را تقدیس کرده و نزد خویش^h جای داده است،
بقیه را نفرین کرده و پست گردانیده
و از جایگاه خود وازگون نموده است.
۱۳ همان گونه که گل در دست کوزه گرⁱ
به میل وی شکل می یابد،
آدمیان هم در دست آفریدگار خود چنین هستند

۱- سمو ۲: ۶-۸؛
لو ۱: ۵۱-۵۳

e- عبری: سپس اقدام کن.

f- عبری و سریانی: در حکمت.

g- تحت اللفظی: و راه هایشان را از هم جدا کرده است. در این نکته، ایده گزینش قوم بنی اسرائیل به طور ضمنی مطرح شده است (ر.ک. ۴:۲۴) و نیز گزینش های خدا که احدی حق بازخواست ندارد (ر.ک. روم ۹). خدا قوم بنی اسرائیل را با انتخاب خاصی از کاهنان و لایویان برگزید درحالی که قوم کنعان در معرض انهدام قرار گرفت (آیه ۱۲).

h- تحت اللفظی: به خود نزدیک کرده است. اصطلاحی فنی در بیان تخصیص یافتن برای وظایف عبادتی: اعد ۱۶: ۵؛ حزق ۴۰: ۴۰؛ ۴۶: ۴۵.

i- مقایسه ای بسیار مشهور (اش ۱۶: ۲۹؛ ۱۶: ۴۵؛ ۷: ۶۴؛ ۱۸: ۱-۶؛ ۱۹: ۱-۱۳؛ حک ۱۲: ۱۲؛ روم ۹: ۱۲-۲۴) که یادآور آزادی مطلق عمل الهی است که برای انسان چون رازی عمیق و دست نیافتنی است.

j- روایت عبری نیز چنین است. برخی نسخ یونانی: و همه راه هایش بر حسب میل اوست.

و بر حسب داوری خویش ایشان را پاداش می دهد.
 ۱۴ در مقابل بدی، نیکی است
 و در برابر مرگ، زندگانی:

هم چنین در برابر مرد پرهیزکار، مرد گناهکار قرار دارد.^k
 ۱۵ پس همه کارهای باری تعالی را این چنین در نظر گیر،
 آن ها دو به دو هستند، یکی در برابر دیگری.

۱۶ اما من، با آن که پس از همه آمدم مراقب بودم^l،
 مانند آخرین خوشه چین پس از انگور چینی^m.
 ۱۷ از برکت خداوند، خود را زود رساندم
 و چون خوشه چین، چرخشت را پر کرده ام.
 ۱۸ بدانید که تنها برای خود زحمت کشیده ام
 بلکه برای همه کسانی که در طلب آموختن هستندⁿ.

۲۴:۴۲

چگونه باید اموال و خانه خود را اداره کرد

۱۹ ای بزرگان قوم، مرا بشنوید
 و شما ای رؤسای جماعت^o، گوش فرا دارید!
 ۲۰ پسر یا زن، برادر یا دوست
 هیچ یک را به هنگام حیات بر خود مسلط مگردان.
 اموال خود را به دیگری واگذار مکن،
 چرا که جز با تأسف، آن را از ایشان باز نخواهی ستاند.
 ۲۱ تا زمانی که در قید حیاتی و تو را نفسی باقی است
 خود را تسلیم قدرت هیچ کس مکن^p.
 ۲۲ زیرا بهتر آن است که فرزندان از تو درخواست داشته باشند
 تا این که تو به سوی دست های پسرانت نگاه کنی^q.
 ۲۳ در کلیه امور خویش، دست بالا را بگیر،

k- عبری و سریانی می افزایند: در برابر نور، ظلمات. این تقابل و تضاد در نوشته های قمران و متون تحریفی (وصیت عاشرد: ۱-۴) به روشنی پیداست اما این افزوده در اینجا غیرمعتبر می نماید.

l- مراقب بوده ام یا بیدار بوده ام. نویسنده که خدا وی را در ادامه انبیاء دعوت کرده، به خوبی مراقب و متوجه است که ببیند آیا سعی خود را به خوبی دیگران انجام داده است.

m- ر.ک. اش ۲۴:۱۳؛ ار ۴۹:۹.

n- می توان آیه ۱۸ را به عنوان نتیجه گیری بخشی که از ۳۰:۲۴ آغاز شده تلقی کرد. تقریباً کلمه به کلمه حاوی متن آیه ۲۴:۳۴ است که در واقع تشکیل دهنده یک جمله معترضه می باشد.

o- این تشویق و ترغیب، مقدمه سلسه جدیدی از بند و اندرزهاست.

p- با نسخه عبری و سریانی و یونانی: اختیار خود را به دست هیچ کس مده.

q- تحت اللفظی: تا چشم به دستان پسرانت داشته باشی. اصطلاحی برای بیان وابستگی (مز ۱۲۳:۲).

و کاری مکن که بر شهرت خود لکه اندازی.^T
 ۲۴ وقتی به آخرین روزهای زندگانی ات رسیدی
 و ساعت مرگ فرار رسید، آنگاه میراث خود را تقسیم کن.

بردگان^S

- امث ۳:۲۶ ۲۵ الاغ را علوفه و چوب و بار،
 خادم را نان، تأدیب و کار.
 ۲۶ او را به کار بکش و راحت خواهی یافت^U،
 اگر دست های وی را آزاد کنی در پی آزادی برخواهد آمد.
 امث ۱۹:۲۹ ۲۷ با یوغ و تسمه گردنش را خم می کند
 و خادم دغل را باید شکنجه و استنطاق کرد^U
 ۲۸ او را وادار به کار کن تا فراغت نداشته باشد^V،
 ۲۹ زیرا فراغت چه بسیار چیزهای بد که بدو می آموزد.
 ۳۰ وی را به کاری که مناسب اوست بگمار
 و اگر اطاعت نکند پاهایش را در غل و زنجیر بگذار.
 به حق هیچ کس تجاوز مکن
 و بر خلاف عدالت کاری انجام مده^W.
 ۳۱ اگر خادمی داری، مانند خودت باشد،
 چرا که به خون^X [دل] وی را به چنگ آورده ای.
 ۳۲ اگر خادمی داری، با وی چون برادر رفتار کن،
 زیرا به او همان قدر نیاز داری که به خویشتن.
 ۳۳ اگر بدرفتاری کنی و او پا به فرار نهد
 برای یافتن وی به چه راهی خواهی رفت^Y؟

T- تحت اللفظی: و مگذار به شهرت تو آسیبی برسد، یعنی از اقتدار و صلاحیت خود کوتاه نیا.

S- عنوان فرعی نسخ یونانی: در باب بردگان. در جوامع باستانی درخصوص خدمات و منافع بردگان رفتارهای تند و شدیدی صورت می گرفت. اما کتاب مقدس تأکید می کند که با آن ها بایستی رفتاری انسانی و عادلانه داشت (ر.ک. آیه ۳۰).

T- طبق برخی نسخ یونانی: خادم خود را به کار وادار تا راحت بیابی. عبری: برده خود را به کار وادار تا در پی استراحت نباشد.
 U- ر.ک. خروج ۲۱:۲۰-۲۱:۲۱؛ مت ۳۴:۱۸؛ لو ۱۲:۴۶.

V- عبری: تا سر به شورش بر ندارد.

W- در کارهایی که در شأن اوست یا با شأن وی جور در می آید (یعنی برده). بر خلاف عدالت یعنی برخلاف حقوق بردگان که در تورات تصریح شده است (خروج ۲۱:۱-۶؛ لاو ۲۵:۴۶؛ تث ۱۵:۱۲-۱۸).

X- به بهای خستگی هایت، یا به بهای زندگیت، چنان که برخی فکر می کند شاید منظور اسیر جنگی باشد (ر.ک. اعد ۳۱:۲۶؛ تث ۲۱:۱۰). احتمالاً نویسنده گاهی از ورود بردگان به خانواده به عنوان اعضای واقعی یاد می کند.

Y- تث ۲۳:۱۶-۱۷ آزادی برده فراری را منع می کند.

بطلان رویاها

۳۴^۱ امیدهای پوچ و باطل فریب دهنده مرد نابخرد هستند و رویاها به بی عقلان بال و پر می دهند.
 ۲ تکیه بر رویاها، به دنبال سایه رفتن و تعقیب باد است.
 ۳ آنچه در رؤیا می بینیم بازتابی ساده است: Z
 در برابر یک چهره، بازسازی همان چهره.
 ۴ از ناپاک چه چیز پاکی برمی خیزد و از دروغ چه حقیقتی پدیدار می شود؟
 ۵ غیب گویی و تفأل و رویا، همه پوچ و بیهوده هستند، و خیال محض، همانند چیزهایی که زن در موقع زائیدن تجسم می کند.
 ۶ تا مداخله باری تعالی نباشد^a
 بدان ها کوچکترین توجهی مکن.
 ۷ زیرا رویاها چه بسیار اشخاص را گمراه کرده اند و کسانی که امیدشان را به آن ها بسته اند سقوط کرده اند.
 ۸ کمال تورات و رای چنین شیادی هاست^b
 و حکمت در دهان مرد وفادار همان کمال است.

ایوب ۱۴:۴

جا ۵:۶

فایده سفر

۹ مردی که بسیار سفر کرده^c زیاد آموخته باشد و آن که تجربه بسیار دارد، خردمندانه سخن می گوید.
 ۱۰ آن که در تجربه نیفتاده اندک می داند،
 ۱۱ اما آن که بسیار سفر کرده، سرشار از منفعت است.
 ۱۲ من در سفرهای خود چه بسیار چیزها دیده ام و بیش از آن آموخته ام که بتوان همه را بیان کرد.

Z- تحت اللفظی: این پس از آن، زیرا رویا جز بازتابی بیش نیست و از خود چیزی ندارد: یا ناخودآگاه است یا بازسازی یک واقعیت.

a- تحت اللفظی: به هنگام دیدار باری تعالی فرستاده خواهد شد. خداگاه آدمیان را با رویا تعلیم می دهد: پید ۲۰:۳-۷؛ ۲۸:۱۰-۱۷؛ ۳۱:۱۰-۱۳؛ ۲۴:۳۷-۵؛ ۱۱:۴۱-۱:۳۶؛ ۲:۴۶؛ ۷:۱۳؛ ۱-۱۳:۵؛ مت ۲۰:۲۳-۲:۲۲؛ ر.ک. اعد ۱۲:۶. اما انبیا از رو آوردن به غیب گوئی تحت هر شکل و عنوانی برحذر داشته شده اند زیرا در آن امکان دروغگوئی زیاد است، ار ۲۳:۲۵؛ ۲۷:۹؛ ۲۹:۸-۹؛ زک ۱۰:۲. یو ۱:۳ رویا را در زمره تجلی های اخروی روح القدس به شمار می آورد. بن سیراخ از امکان این نوع مداخلات آگاه است اما نسبت به آن نظر مساعدی ندارد. وی در اندیشه ها و تعالیم حکیمان که در روایات منتقل شده اند راه ساده تری برای تحصیل حکمت می یابد. در نوشته های مربوط به دورانی اندک پس از بن سیراخ، رویا به عنوان وسیله ای معتبر برای کشف و شهود در نظر گرفته شده است: دان ۲:۴؛ ۲-مک ۱۵:۱۱.

b- بر عکس رویا که به واقعیت نمی پیوندد، تورات و حکمت ضمانت های مطمئن دارند. نظر برخی از مترجمان بر این است که طبق این متن، تورات بایستی به تحقق پیوسته باشد یعنی بدون افزودن خیالات ناشی از رویا، باید آن را مراعات نمود.

c- طبق بسیاری از نسخ یونانی: مردی که تعلیم یافته.

۱۳ بارها در خطر مرگ افتاده ام
اما به یمن تجربه هایم^d نجات یافته ام.

ترس خدا^e

۱۴ آنانی که از خداوند می ترسند زندگانی طولانی خواهند داشت^f،

۱۵ زیرا امیدشان بر کسی تکیه دارد که نجاتشان خواهد داد.

۱۶ هر که از خداوند بترسد از هیچ چیز هراس ندارد،

و هرگز نمی لرزد زیرا خداوند امید اوست.

۱۷ خوشا به حال روحی که از خداوند می ترسد!

۱۸ بر چه کسی تکیه کند؟ و نگهدارش کیست؟

۱۹ دیدگان خدا بر دوستدارانش^g نظر دارد،

۱۹:۱۵
مز ۳۳:۱۸

سپری قوی و نگاهبانی نیرومند،

پناهگاه باد شدید و سایبان گرمای نیم روز است،

حفاظت کننده در برابر موانع و حامی به هنگام سقوط.

۲۰ او روح را برمی کشد و دیدگان را روشن می کند،

بخشنده شفا^h، زندگانی و برکت است.

دین حقیقیⁱ

۲۱ هر که بر مال نامشروع قربانی کند هدیه اش اسباب تمسخر است^j،

۲۲ و هدایای کسانی که تورات را بی حرمت می کنند پذیرفته نمی شود.

۲۳ باری تعالی هدایای ناپاکان را نمی پذیرد ،

و به خاطر شمار قربانیان نیست که گناهان را می بخشاید^k.

d- تحت اللفظی: به یمن این ها، که منظور تجربه و مهارتی است که دیگران در وی می یابند: در نظر برخی منظور حمایت الهی است که در آیات بعدی از آن صحبت خواهد شد. اگر در نظر بگیریم که نوعی درجه بندی در کار است، از بطلان توسل به رویاها (آیات ۱-۸) به تجربه انسان که ارزشمندتر است (آیات ۹-۱۱) می رسیم و سپس به حمایت الهی که خدا ترسان را از مخاطرات ایمن می سازد (آیات ۱۲-۱۷). با این حال به نظر می رسد بهتر این باشد که آیه ۱۲ را به آیات قبلی متصل کرد و این گونه درک نمود که بن سیراخ به یمن آنچه آموخته بود نجات یافته است.

e- ر.ک. ۱۱:۱-۲۰ و غیره. ترس خدا یکی از مضامین اصلی این کتاب است: ر.ک. پیشگفتار.

f- تحت اللفظی: روح کسانی که از خداوند می ترسند زندگانی خواهد کرد. در اینجا ناظر پاداش و سزای دنیوی بی واسطه هستیم.

g- کسانی که او را محبت می کنند. لاتین: کسانی که از او می ترسند، سربانی: تمام بندگان.

h- خدا شفا می دهد، ۱:۱۸:۳۸:۲.

i- بن سیراخ به جنبه عبادتی دین اهمیت زیادی می دهد (۳۵:۴-۱۰:۳۸:۱۱) اما در سنت انبیا بر درستی و پاکی اخلاقی که با رعایت تورات معنا می یابد تأکید می ورزد (۱:۳۵).

j- چنین قربانی و ندی نامشروع است زیرا نقص دارد و مانند قربانی حیوانی معیوب و ناقص خواهد بود، ر.ک. لاو ۲۲:۲۰-۲۱.

k- ر.ک. ۱- سمو ۱۵:۲۲: اش ۱۱-۱۷: ۶:۲۰؛ هوشع ۶:۱۹-۱۸:۵؛ مز ۶:۱۹-۱۸:۵؛ امت ۱۵:۸؛ ۳:۲۱، ۲۷؛ بنسی ۷:۹.

- ۲۴ آن که قربانی برگرفته شده از مال فقیران را تقدیم می کند
مثل کسی است که پسر را جلوی چشم پدر ذبح می کند.
۲۵ نان مستمندان، زندگانی فقیران است،
هر که آن را ببرد، قاتل باشد.
۲۶ هر که همنوعش را از هستی ساقط کند، قاتل اوست.
۲۷ هر که مزدور را از دستمزدش محروم نماید خون ریز است.
۲۸ یکی می سازد و دیگری ویران می کند،
چه به دست آورده اند جز رنج؟
۲۹ یکی مبارک می خواند^l و دیگری نفرین می کند،
صدای کدام یک را قادر مطلق خواهد شنید؟
۳۰ آن که پس از لمس مرده خود را می شوید و باز او را لمس می کند
با استحمام خود چه به دست آورده است^m؟
۳۱ همچنین است انسانی که برای گناهانش روزه می گیرد
و باز از سر نو مرتکب گناهان می شود،
نیایش وی را چه کسی اجابت خواهد کرد؟
و با این سرشکستگیⁿ چه به دست می آورد؟
۱ هر که تورات را مراعات می کند، بر هدایا می افزاید^o،
۲ و هر که به احکام توجه می کند قربانی نجات^p تقدیم می دارد،
۳ آن که سپاسگزاری می کند^q گل گندم تقدیم می کند
۴ و هر که صدقه می هد، قربانی ستایش تقدیم می دارد.
۵ آنچه خوشایند خداست، دوری از بدی
و دوری از ظلم است که همانا قربانی کفاره می باشد.
۶ در حضور خداوند با دست خالی حاضر مشو،
۷ تمامی قربانی هایت را بگذران زیرا به آن ها حکم شده است.

۳۵

(=۳۲)

لاو ۱۹:۱۳:
تث ۲۴:۱۴-۱۵لاو ۲:
لاو ۱۱:۷-۱۵

لاو ۱۶:

l- سربانی: مبارک می خواند؛ یونانی: نیایش می کند. آیات ۲۴-۲۶ به شکل صیغه استفهامی آن، باعث ابطال تأثیر عمل به آن موارد خواهد بود و ممکن است معنای عکس از آن استنباط شود. غالباً نیایش را به ثروتمندان و لعن و نفرین را به فقرا نسبت می دهند که این وجه اخیر باعث خنثی شدن جنبه نخستین است.

m- تماس با مرده موجب نجاست شرعی می شود که بایستی با غسل آیینی تطهیر گردد (اعد ۱۹:۱۱ و آیات بعد).

n- تحت اللفظی: سرافکندهگی، بی مقداری.

o- بن سیراخ می خواهد رعایت تورات را به اعمال عبادتی پیوند دهد. اعمال عبادتی بر ارزش های خاص دینی زندگی اخلاقی تأکید می کند و خو دلیلی برای احترام نسبت به مراسم ظاهری است. در عین حال تأکید می کند که ارزش مادی قربانی در درگاه خدا بر خلاف صحت و راستی اخلاقی قربانی کننده بی تأثیر است (ر.ک. آیه ۷:۹). در مورد قربانی های گوناگون ر.ک. لاو باب های ۱-۷.

p- یعنی قربانی سلامتی، ر.ک. لاو ۳.

q- ممکن است تشکر ساده انسانی (ر.ک. صدقه که با آیه بعدی متوازی است) یا سپاسگزاری دینی باشد.

- لاو ۱۷-۱۴:۳^۸ تقدیمی شخص عادل مایه چربی^r قربانگاه است ،
و عطر آرام بخش آن به حضور باری تعالی بالا می رود.
^۹ قربانی مرد عادل پذیرفته شده است
و خاطره اش^s فراموش نخواهد شد.
^{۱۰} با سخاوتمندی^t خداوند را جلال ده
و نسبت به نوبرهایی که حاصل کوشش تو^u است لثیم مباش.
تث ۱۰-۱:۲۶
^{۱۱} در همه تقدیمی هایت چهره ای شاد بنما
و عشریه را بارضایت کنار بگذار.
تث ۲۹-۲۲:۱۴
^{۱۲} به اندازه عطایائی که به تو داده شده
و با سخاوتمندی که مقدرات تو اجازه می دهد^v به باری تعالی بده.
تث ۱۵:۲۶
^{۱۳} زیرا خداوند در عوض باز پس می دهد
و هفت^w برابر به تو باز خواهد گرداند.
تث ۷:۱۰
^{۱۴} هدایای فاسد شدنی تقدیم مکن، آن ها را نخواهد پذیرفت.
^{۱۵} بر قربانی نادرست تکیه مکن،
زیرا خداوند داور است
ایوب ۱۹:۳۴
و از هیچ کس حساب نمی برد^x.
^{۱۶} علیه فقیر جانب هیچ کس را نمی گیرد^y
و دعای محروم را بی اجابت نمی گذارد.
^{۱۷} هرگز استغاثه یتیم را خوار نمی شمارد
و نه بیوه ای را که راز دل گشوده است.
^{۱۸} آیا اشک های بیوه^z بر گونه هایش نمی غلظد
^{۱۹} و فریادش آن کس را که باعث اشک ریختن وی شده متهم نمی کند؟
^{۲۰} هر که به میل خود خداوند را خدمت کند^a، پذیرفته شده باشد
r- تحت اللفظی: قربانی شخص عادل، قربانگاه را چرب می کند.
s- یادبود، بخشی از مراسم تقدیم قربانی است که در آتش افکنده می شود تا کاملاً بسوزد، لاو ۲:۱-۳.
t- تحت اللفظی: با دیدی نیکو.
u- تحت اللفظی: حاصل دست های تو.
v- تحت اللفظی: با دیدی نیکو تا به جایی که دستت می رسد.
w- عدد نشانگر فراوانی و سرشاری، ر.ک. ۷:۳؛ ۲۰:۱۲؛ ۴۰:۸.
x- تحت اللفظی: شکوه و جلال افراد در نزد خداوند هیچ است. این ایده به طور مکرر در عهدعتیق بیان شده است: تث ۱۰:۱۷؛
۱-توا ۱۹:۷، ر.ک. کتاب یوبیل: «او کسی نیست که از کسی حساب ببرد، اگر داوری خود را بر همه اعمال کند او کسی
نیست که تقدیمی ها را بپذیرد؛ اگر کسی هر آنچه بر روی زمین دارد بدهد به تقدیمی های وی توجه نخواهد کرد و هر چه را در
دستش باشد نخواهد پذیرفت زیرا او داور عادل است» (۱۶:۵). این ایده در عهدجدید دوباره از سر گرفته می شود، ر.ک.
۱- پطرا ۱۷:۱۷. این تفکر در اع ۱۰:۳۴؛ روم ۲:۱۱؛ غلا ۲:۶ نیز بیان شده است.
y- خدا حامی فقیران و یتیمان و بیوه زنان است، در این متن با شنیدن دعاهایشان که در طلب عدالت وی هستند؛ ر.ک.
خروج ۲۲:۲۱-۲۲:۲۲؛ امث ۲۲:۲۲-۲۳:۲۳، ۱۰-۱۱.
z- در متن عبری کلمه بیوه از قلم افتاده است.
a- عبری: آن که از ته دل خدمت می کند. در متن روشن نیست که به چه کسی خدمت می شود. خدا یا همنوع؟ وانگهی خدمت
رضایتمندان به ممکن است به خدا (ر.ک. ۱:۲۶؛ ۲:۱۵) یا به همنوع یا حتی به کسی که خدمت می کند (ر.ک. ۱۵:۱۵)
نسبت داده شده باشد.

و مسئلت وی تا آسمان ها بالا رود.
 ۲۱ نیایش شخص فروتن آسمان ها را درمی نوردد
 و تا به هدف خود دست پیدا نکند، تسلی نمی یابد^b
 و تا باری تعالی دخالت نکند باز نمی ایستد،
 ۲۲ تا راستان داوری نشوند و عدالت در حقشان اجرا نگردد^c
 خداوند تأخیر نخواهد نمود^d،
 نسبت به آنان ناشکیبا خواهد بود^e
 تا آن که کمر مردان بی رحم را درهم بشکند.
 ۲۳ انتقام خود را بر ملت ها خواهد ریخت
 تا توده گستاخ را ریشه کن نماید^f
 و عصای ظالمان را درهم بشکند،
 ۲۴ تا به هرکس بر حسب اعمالش باز پس دهد
 و اعمال آدمیان را بر حسب نیت شان پاداش دهد،
 ۲۵ تا دعوی قومش را داوری نماید
 و به رحمت خویش^g آنان را شادمان سازد.
 ۲۶ چه مبارک است رحمت وی به هنگام مصیبت،
 مانند ابرهای باران زاست به هنگام خشکسالی.



نیایش برای رهایی و تجدید عظمت اسرائیل^h
 ۳۶^۱ ای استاد اعظم، ای خدای هستی، بر ما رحم کن،
 ۲ ترس خود را بر همه ملت ها مسلط گردان.
 (=۳۳)

- b- عبری: آرام و قرار نمی گیرد.
 c- عبری: تا داور عدالت، حق را جاری سازد.
 d- تغییر بسیار ظریف لحن: موضوع از صورت انفرادی به صورت گروهی مطرح می شود. نیایش توأم با فروتنی جایش را به نیایشی انتقام جویانه می دهد. از آیه ۲۴ الف مجدداً لحن قبلی از سر گرفته می شود.
 e- خدا دیر خشم است (ر.ک. خروج ۳۴:۶؛ بنسی ۱۸:۱۱-۱۲) اما شکیبائی وی به حد ناتوانی نمی رسد. در آغاز متن عبری این آیه اضافه شده است: چون یک قهرمان.
 f- متن عبری ممکن است گستاخی توده را به عصای غرور و نیز به قبیله غرور یا طبق نسخه ای قدیمی به قبایل غرور نسبت داده باشد که با متن یونانی مطابقت دارد.
 g- عبری: به واسطه نجات خویش.
 h- این نیایش که حاوی زیر و بمی مربوط به آخرت شناسی و احتمالاً فاقد جنبه مسیحائی است در برخی موارد یادآور مزمور عبری بنسی ۵۱:۱۲ و نیز نیایش یهودی موسوم به برکات هیجده گانه است. لحن تند و خشنی که در این نیایش به کار رفته (آیات ۱-۱۲) معمولاً از ویژگی های بارز کتابی است که بن سیراخ تالیف کرده است. به نظر برخی تألیف آن به اندکی پس از ویرانی های اورشلیم و سراسر فلسطین بازمی گردد که توسط نیروهای مصری اسکوپاس، مقارن سال ۱۹۹ یا توسط نیروهای سلوکیان یا آشوریان که در مصر جایگزین آن ها شده بودند روی داد. آغاز و پایان آن در نسخه عبری با حرف **pe** مانند ابتدای مزمور عبری مذکور در ۵۱:۱۲ مشخص شده است. شاید این موضوع بیانگر این باشد که این نیایش بعداً به کتاب بن سیراخ اضافه شده. تفاوت واژه ها و ذهنیت این نیایش با بقیه کتاب را در همین امر باید جستجو کرد.